

پایانِ اوجِ شمشاد

در خاور میانه چه خبر است؟

سید مسعود رضوی

شصت و چند سال پیش ناصرالدین نشا‌بیبی روزنامه‌نگار فلسطینی روزنامه اخبارالیوم به کتابی نوشت به نام: «مذاخری فی شرق الاوسط»، همان زمان مترجم دانشور و اسلام‌شناس فقید دکتر محمدحسین روحانی آن را به اسم «در خاورمیانه چه گذشت؟» به پارسی سلیس و زیبایی ترجمه کرد.

امروز اگر همان اثر معروف و قدیمی را دوباره مرور کنیم، شباهت حوادث گذشته و چندان فرقی نگذره است.

در داروگر تهدیدات توخالی آمریکایی‌ها شبساید تنها وجه واقعی و ملموس مشکلات ایرانیان، تحريم‌هاست که فراتر از شماره‌ها باید بدان توجه داشت و آن را با کمک مردم و با صداقت و شفافیت و راست‌گداری در عرصه اقتصاد و بازرگانی، مدیریت کرد؛ زیرا تحریم و فشار اقتصادی و زنج فقر واقعی است.

ما البته ازهای و هوی و جنگ و تهدید نمی‌ترسیم و نباید هم خردلی هراس در دل ایرانیان باشد. اینجا سرزمین ملتی است که عاشق صلح و سلم و مهر و محبتند اما همه‌چنگام، در نجوای عارفانه چنین می‌گویند: شیرخدا و رستم دستنام آرزوست… پس از چه و از که باید بترسیم؟ تراپ چکنگر از آن است که ما را بترساند یا حتی نگرانمان کند اما چرا ما اینهمه درگیر تضاد و مشکل و گرفتاری هستیم، بیایید صادق باشیم و من از خوانندگان عالی‌مقام اجازه می‌خواهم به صراحت دریاب مشکلات جاری و مسببان آن و کمین و کشندهای آینده هشدارهایی بدهم.

مقدمه این امر آن است که باید منطق حاکم بر این آشفنگی و الگوهای که آن را پدید آورده و هدایت و بشود می‌کند بشناسیم. شکی نیست که دولت روحانی نقص دارد و باید نقد نشود ولی حق نیست که چشم بر جنبه‌های مثبت و کار کردهای درست و جهت‌منطقی برنامه‌هایش بیندیشیم. واقعاً این همه حمله و هجمه به دولتی که با اقسام نادر و مکرری از محدودیت‌ها و موانع روبروست، اصلاً معقول و منطقی است؟ در حال حاضر دلیل عقل حسابگر و نفس فرصت‌طلب در دل تک‌تک ما هم حکم می‌کند که کسی از این دولت که در زیر فشار شدید حملات همه‌جانبه قرار دارد، حمایت نکند.

چند سال است که جریانی کاسب و تازه به پول رسیده که همواره مثل رای و نظر مردم استست و برای توقف توسعه و تعادل و شفافیت می‌کوشد، درصدد است تا به افکار عمومی بقیولانه که رای و عقلایت و اصول، حقولانی که بر محور جمهوریت و قانون و افکار اکثریت دنبال می‌شود، هجوم بیاورد. نداد.

اخیراً بقیه ما به کمک این جریان شستافته و به حمله به دولت و شخص رئیس‌جمهور و اعضای اکلیت، محکم‌تر بر یک طبل خضرات می‌کوبند اما رازی که فاش نمی‌شوند این است که اگر شما خدایتان بر مسند قدرت برودید که اتفاقاً سالها بر خرگاه دراز بنشسته بودید یا این کثرت‌زدهای متعدد و مقتدر امتناع و ممانعت، و این سدهای سدید خرابسکاری و نهانگران صاحب رات و پول، و این همه نودولتانی دولت‌های پنهان و موازی چه می‌کردید؟

ای دوستان کلاحتان را قاضی کنید و یفرمایید چرا در هنگام تضعیف و ورود سرمایه‌گذاران اروپایی و ژاپنی و آمریکایی و عربی و ترک و … نیامدید به میدان تا فریاد بزیند که سرمایه‌گذاری اقتصادی بویینگ و شسل و هوندا و هیوندایی و فورد و زمبست و ترکسل و… خوش بزرگترین کمک به اشتغال در داخل و واضح‌ترین پشتیبان برجام است و بجز بیایبی صهیونیزم و جاسوسی و سیاست مرموز شیوخ جنوب و تارزیم ششمال، کار اتمان بلوتون و یوپوتور را نیز مختل می‌کند! کجا بودید که علیه ماجراجویانی که هم صدا را نتانیا‌هو و بن‌سلمان تره جنگ می‌ترکاندند سکوت کردید و حالا که هزینه‌ای هم نگذرد از ظرف و روحانی بلبل‌زبانی می‌کنید؟! شجاع نبودید و نترسید و کینه در دل و موضع و وضع بهتری به سر می‌بردم.

مسایل جاری کشور، مانند تفرقه در وحدت ملی ایرانیان به اسم غیرت و مذحبی و اهانت به برادران و خواهران اهل سنت و اقلیت‌ها، اهانت بدزدانی علیه اقوام تنها یکی از تشنگردهای معمولی جریان انحلال طلب و کاسب ملوک است که دوباره به میدان آمده و وسط‌معر که جنگ و محاصره کشور برای چند دلار تریپول و جبران ماتف، و دفتر وزیر ششجاع و شریف و کارآمدی چون زنگنه، نمایش کارخوان را وپارچی راه انداخته است. این نمایش رسوا را فراد به دقت ارزیابی و بیان خواهیم کرد.

این البته رویه و سطح ماجراجویی که دور جدیدی از ناغلا ما و تهاجم آنها را سامان خواهد داد. بی‌توجهی به اصولی از قانون اساسی و مغفل نهادن ظرفیت‌هایی که نظارت و قدرت ملت را تثبیت می‌کند و تفسیرهای غریب و محدودکننده نیز روش دیگری است که سال‌هاست به طرفت مرسوم در سیاست جاری بدل شده است.

درخواست ۱۰۰ نماینده از رهبر معظم انقلاب برای بازنگری در قانون اساسی

ایمانا نوشت: یک عضو فراکسیون مستقلین ولایت با اعلام خبر تهیهٔ «درخواست از مقام معظم رهبری» برای بازنگری در قانون اساسی گفت: قرار ما با دوستان این شد که اگر این درخواست به بالای ۲۰۰اعضای پرسد آن را خدمت رهبری ارسال کنیم.

عزت‌الله یوسفیان مال دربارۀ اظهارات اخیر حسن روحانی مبنی بر لزوم افزایش اختیارات ریاست جمهوری گفت: قانون اساسی اختیارات قوای سه‌گانه را تعریف کرده است. حال اگر شخصی اختیارات بیشتر از این محدوده بخواهد نیاز به اصلاح قانون اساسی دارد. با اینکه باید جاهایی که امکان نقض اختیار وجود دارد این اختیارات نقض شود.

به نظر بدقطن پیشین خود به موضوعی درباره بازنگری در قانون اساسی اشاره کردم که بیش از ۱۰۰ نماینده به درخواست از رهبر ارفع اصرار کرده‌اند در این نامه تعدادی از نمایندگان از مقام معظم رهبری درخواست کردند تا اجازه بازنگری در بعضی از بخش‌های قانون اساسی داده شود.
ما نمایندگان نامی را تهیه کرده‌ام اما هنوز به این مقدار نرسیده‌ایم بلکه منتظر هستیم که اگر اعضای این نامه را به بیش از ۲۰۰ یا ۲۵۰اعضا برسد آن‌موقع احتمالاً این نامه را به ایشان تقدیم کنیم.این کار منهای خط و خطوط و جزئیات سیاسی است.

ما گفته یوسفسینی، عده ای می‌گویند برخی از مراجعی که باید تحت عنوان مجلس دوم داشته باشیم نداریم. لذا این مجلس تنها شده‌است و باید مرجع وجود داشته باشد. در دنیا هم در کنار مجلس عمومی می‌جلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سامی نامند و این مجلس اتمه را در نظر گرفت. به به هر حال کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که این مجلس باشد.

این نماینده مجلس آمده‌اند تا در مجلسی باشد.بخشی از قوانین و مقررات در دست آن نمایندگان افتاد و تکروری پیش نمی‌آید که دولت از مجلس شاکمی باشد و بگوید که این نمایان تصمیمات این مجلس را تجدیدنظر کنیم. درحالی که رهبر معظم رهبری طیف گوناگون از احزاب کلاظ نظارت دارند. این هم راه‌حلی است و این درخواست هرقوت آماده شود ما تقدیم می‌کنیم.

مراسم سوگواری سالروز شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) با حضور رهبر معظم انقلاب



در سالروز شهادت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام، مراسم سوگواری و عزاداری آن امام همام، با حضور قشرهای مختلف مردم و رهبر معظم انقلاب اسلامی، در حسینیه امام خمینی رحمه‌الله برگزار شد.

در این مراسم که بعد از اقامه نماز ظهر برگزار شد، حاج مهدی سسمواتی به ذکر مصیبت و مرثیه‌خوانی

وزارت اطلاعات: کشف تخلفات مالی در دفتر وزیر نفت کذب است

وزارت اطلاعات با صدور اطلاعیه ای، مطلب و ادعاهای مطرح شده در برخی رسانه‌ها و تریبون‌ها در باره کشف تخلفات مالی در دفتر وزیر نفت توسط این وزارتخانه را کذب خواند.

روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت اطلاعات، پیرو مطلب و ادعاهای مطرح شده در برخی رسانه‌ها و تریبون‌ها در زمینه کشف تخلفات مالیی در دفتر وزیر نفت توسط وزارت اطلاعات روز یکشنبه اعلام کرد: استفاده از سوء کارخانوار در دفتر وزیر نفت از سوی یک کارمند اداری آن دفتر بوده استست که این موضوع از سـوـی معاونت اقتصادی وزارت اطلاعات پیگیری شد و با کارمند خاطی برخورد مقتضی صورت گرفت. متعاباً به دستور وزیر نفت، کارمند(فرادادی) یاد شده، درآن زمان از ادامه خدمت

بقیه از صفحه اول

این است که با توجه به شرایط سخت کنونی، ذخیره کالاهای اساسی نسبت به سال‌های قبل بهتر است. این یعنی دولت تلاش می‌کند که اجازه ندهد شرایط برای زندگی مردم سخت‌تر شود.

وی افزود: شرایط کشور به گونه‌ای است که همه باید آن را به درستی درک کنیم و اگر برداشت و تحلیل ما از شرایط کشور فاصله‌زندی داشته باشد، نمی‌توانیم به درستی تصمیم‌گیری کنیم.

رئیس جمهوری مردم ایران را علی‌رغم این که با سختی‌های بسیار مواجه هستندخود و قدردان دانست و اظهارداشت: من شهادت، میر و شهادت مردم در مناطق سیل رده از جمله پلدختر در کنار خا‌ه‌های ویران شده از سوی مردمی دیدم که زندگی خود را از دست داده بودند.

وی افزود: کدب صبر و استقامت مردم هیچگاه بر این من فروموش دشنی نیست و هر چند که کار دولت و خدمات آن حتماً بی‌نقص نبوده استست، اما مردم هرگز

گلایه‌ای نکنرد.

رئیس جمهور خاطر نشان کرد: هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که کاری که انجام می‌دهد، بی‌نقص است و دولت نیز جدای از آن نیست، تازه اگر همه اختیارات قانون اساسی را در اختیار دولت بگذارند.

روحانی با اشاره به سخنان یکی از مدیران رسانه‌ها در باره استفاده از اصل ۵۹ قانون اساسی برای همه پرسى، گفت: اصل ۵۹ قانون اساسی، اصلی بی‌بست شکن است و می‌گوید در هر زمان لازم دردیجه به روی مردم باز است، حالا چه موقع باید از این اصل استفاده کرد یا باید قبلاً استفاده می‌کردیم، دیگر است.

وی افزود: در سال ۷۲ از رهبر معظم انقلاب خواستم که در صورتی که قانون اساسی اختیارات قوای سه‌گانه را تعریف کرده است. حال اگر شخصی اختیارات بیشتر از این محدوده بخواهد نیاز به اصلاح قانون اساسی دارد. با اینکه باید جاهایی که امکان نقض اختیار وجود دارد این اختیارات نقض شود.
به نظر بدقطن پیشین خود به موضوعی درباره بازنگری در قانون اساسی اشاره کردم که بیش از ۱۰۰ نماینده به درخواست از رهبر ارفع اصرار کرده‌اند در این نامه تعدادی از نمایندگان از مقام معظم رهبری درخواست کردند تا اجازه بازنگری در بعضی از بخش‌های قانون اساسی داده شود.
ما نمایندگان نامی را تهیه کرده‌ام اما هنوز به این مقدار نرسیده‌ایم بلکه منتظر هستیم که اگر اعضای این نامه را به بیش از ۲۰۰ یا ۲۵۰اعضا برسد آن‌موقع احتمالاً این نامه را به ایشان تقدیم کنیم.این کار منهای خط و خطوط و جزئیات سیاسی است.
ما گفته یوسفسینی، عده ای می‌گویند برخی از مراجعی که باید تحت عنوان مجلس دوم داشته باشیم نداریم. لذا این مجلس تنها شده‌است و باید مرجع وجود داشته باشد. در دنیا هم در کنار مجلس عمومی می‌جلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سامی نامند و این مجلس اتمه را در نظر گرفت. به به هر حال کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که این مجلس باشد.
این نماینده مجلس آمده‌اند تا در مجلسی باشد.بخشی از قوانین و مقررات در دست آن نمایندگان افتاد و تکروری پیش نمی‌آید که دولت از مجلس شاکمی باشد و بگوید که این نمایان تصمیمات این مجلس را تجدیدنظر کنیم. درحالی که رهبر معظم رهبری طیف گوناگون از احزاب کلاظ نظارت دارند. این هم راه‌حلی است و این درخواست هرقوت آماده شود ما تقدیم می‌کنیم.

ترامپ: خواهان تغییر نظام ایران نیستیم

دوالت. ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، روز دوشنبه از میزبگیری نخست‌وزیر ژاپن میان ایران و آمریکا استقبال کرد. به گزارش ایسنا به نقل از اسوشیپرس، ترامپ در دیدار با شینزو آبه، نخست‌زیر ژاپن در توکیو گفت: من می‌دانم که هم ژاپن و به نخست‌وزیرش روابط خوبی با ایران دارند. خواهم دید که چه اتفاقی خواهد افتاد. وی افزود: نخست وزیر در این رابطه با من صحبت کرده استست و من باور دارم که ایران خواهان مذاکره است. اگر آنها خواهند مذاکره کنند، ما هم مذاکره می‌کنیم. هیچ‌کس نمی‌خواهد اتفاقات بدی رخ دهد. خصوصاً خودم.

اظهارات ترامپ در این مطرح می‌شود که ظرف وزیر امورخارجه کشورمان اخیراً در گفتگوی اختصاصی خود با شبکه خبری سسی‌انان با اتفاق از خروج ایران از برجام (در برجام) با حسن نیت عمل کردم، اما نمی‌خواهم با کسانی که زیر

تهداتشان زده‌اند گفتگو کنم. نشان‌دهنده قصد من استست تا تسلییم تهدید نمی‌شوریم. ایران هرگز تحت فشار مذاکره نمی‌کند. شما نمی‌توانید ایرانی‌ها را تهدید کنید و سپس از آنها انتظار داشته‌باشید. راه درست برای این کار احترام است، نه تهدید. ترامپ در کنفرانس خبری مشترک خود با نخست‌وزیر ژاپن همچنین مدعی شده که آمریکا خواهان تغییر نظام ایران نیست!

ترامپ همچنین ادعا نکرد که پس از خروج آمریکا از برجام، تهران به دلیل مشکلات جدی اقتصادی، رفتار خود را در غیر مستقیم با آمریکا نخواهم داشت.

اخبار داخلی

حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری: تعادل و اعتدال نشانه عقلانیت است

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر این که تعادل و اعتدال علامت عقلانیت است، گفت: یکی از مشکلات بزرگ ما انسان‌ها این است که معمولاً در مسائل

زندگی، معاشرت‌ها، معاملات، اخلاقیات، عبادات و مسائل دیگر که به نوعی به زندگی ما مربوط است، دچار افراط یا تفریط می‌شویم.

به گزارش جماران، حجت الاسلام والمسلمین علی‌اکبر ناطق نوری در مراسم عزاداری شب‌شهادت حضرت علی(ع) حرم مطهر امام خمینی(ره)که با حضور اعضای بیت امام و اقشار مختلف مردم برگزار شد، گفت: در مساله خوف و رجا هم گاهی دچار افراط و تفریط می‌شویم. افراط و تفریط حتی در عبادت هم ممدوح نیست. تعادل و اعتدال علامت عقلانیت است. نه به طور افراطی دنبال دنیا بروید و نه به طور افراطی دنبال آخرت بروید و دنیا را رها کنید؛ هر دو غلط است.



در عزای مولای متقیان حضرت امام علی علیه‌السلام پرداخت‌ه‌م‌چنین در بیستمین روز از ماه مبارک رمضان و در آستانه سالروز شهادت مظلومانه مولی الموحدین حضرت علی ابن ابیطالب علیه‌السلام، مراسم سوگواری و عزاداری آن حضرت با حضور قشرهای مختلف مردم و رهبر معظم انقلاب اسلامی و مرثیه‌خوانی حاج مرتضی طاهری برگزار شد.

داشته اندروابط عمومی وزارت اطلاعات از رسانه‌ها و دیگر صاحبان تریبون درخواست کرد قبل از ذکر و انتشار اخبار و مطالب مرتبط با اقدامات وزارت متبوع، موارد را با این مرکز مطرح و پس از راستی آزمایی و اطمینان از صحت، اقدام به انتشارکنند.

در شرایطی که دشمن با تحمیل جنگ اقتصادی و تحریم‌های شدید با نفعی، به دنبال شکستن قدرت نظام

است. در دستور کار قرار دارد.

وزارت اطلاعات با تکذیب ادعای کشف مقادیری طلا و ارز و دفتر وزیر نفت در خصوص تصریح کرد: ادعای نفوذ و بحث و اختلاف بین وزیران دولت و اطلاعات پیرامون تراکش‌های موجود

این قضیه کاملاً کذب و خلاف واقع است. کما این که در سایر اقدامات، مقابله با مفاسد در وزارت نفت، وزیر نفت حمایت و پشتیبانی از اقدامات ضد فساد وزارت اطلاعات

روحانی: رسانه‌ها امید آفرین باشند

روحانی با تأکید بر این که از رسانه‌ها نمی‌خواهم که نقش دولت را بپوشانند، اما باید در نظر داشت همه نقض دارند و باید مشکلات سایر دستگاه‌ها هم به قصد اصلاح مطرح شود، تصریح کرد: رسانه‌ها باید جرات کنند نواقص سایر دستگاه‌ها هم بیان کنند و نباید این گونه باشد که فقط برای دولت آواز هستند. البته اگر هر نقضی وجود دارد، حتماً بیان کنید، اما از سوی دیگر انتظار دارم که اقدامات و دستاوردهای دولت هم از زبان رسانه‌ها اطلاع‌رسانی شود. رئیس جمهوری افزود: نمی‌خواهم از صدا و سیما

گلایه‌یکسم و از چارچوب این سازمان به طور کامل آگاهی دارم، اما باید در نظر داشت که شرایط ما نسبت به دهه‌های گذشته ویژه است. روحانی گفت: این که کشتی باری ایرانی برای ۱۰ روز نوانسته است در یکی از بنادر



امروز می‌توانیم از این جنگ عبور کنیم، اما باید هزینه جنگ را کم کنیم و این اختلاف و تفرقه است که هزینه جنگ را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر هر چه این جنگ اقتصادی زودتر به پایان رسد، به نفع مردم خواهد بود؛ چرا که همه رنج‌ها بر دوش آنان است.وی با اشاره به این که من قطعاً را یک بار دیگر مطالعه کنید که یک برنامه و پیشنهاد رنج را به عهده رئیس جمهوری گذاشته است و بنابراین رئیس جمهوری برنامه‌های خود را در قالب کتاب به مردم ارائه می‌کند تا جایی که حتی قبل از معرفی کابینه ابتدا این برنامه به مجلس معرفی و به رای گذاشته می‌شود.روحانی با تأکید بر این که بارها در جلسات مهم کشوری از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام به صراحت بیان کرده‌ام که مشکل این نیست که دولت چه اختیاراتی دارد و اگر قانون اساسی اجرا شود، دولت اختیارات کافی دارد. گفت: اما باید در نظر

داشته باشیم که شرایط جنگ با شرایط عادی تفاوت دارد و در ششست سال دفاع مقدس تمام اختیارات در شوری عالی پشتیبانی جنگ جمع شده بود و راه امل تمام این اختیارات را به این شورا امجول کرده بود.

روحانی با اشاره به سخنان یکی از مدیران رسانه‌ها در باره استفاده از اصل ۵۹ قانون اساسی برای همه پرسى، گفت: اصل ۵۹ قانون اساسی، اصلی بی‌بست شکن است و می‌گوید در هر زمان لازم دردیجه به روی مردم باز است، حالا چه موقع باید از این اصل استفاده کرد یا باید قبلاً استفاده می‌کردیم، دیگر است.

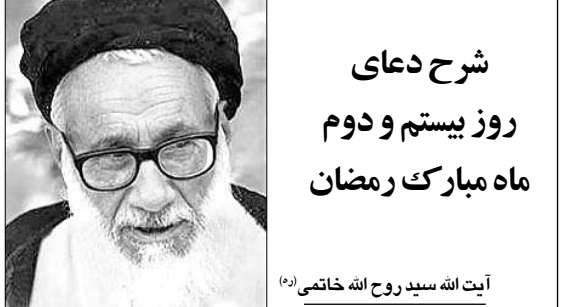
وی افزود: در سال ۷۲ از رهبر معظم انقلاب خواستم که در صورتی که قانون اساسی اختیارات قوای سه‌گانه را تعریف کرده است. حال اگر شخصی اختیارات بیشتر از این محدوده بخواهد نیاز به اصلاح قانون اساسی دارد. با اینکه باید جاهایی که امکان نقض اختیار وجود دارد این اختیارات نقض شود.

به نظر بدقطن پیشین خود به موضوعی درباره بازنگری در قانون اساسی اشاره کردم که بیش از ۱۰۰ نماینده به درخواست از رهبر ارفع اصرار کرده‌اند در این نامه تعدادی از نمایندگان از مقام معظم رهبری درخواست کردند تا اجازه بازنگری در بعضی از بخش‌های قانون اساسی داده شود.
ما نمایندگان نامی را تهیه کرده‌ام اما هنوز به این مقدار نرسیده‌ایم بلکه منتظر هستیم که اگر اعضای این نامه را به بیش از ۲۰۰ یا ۲۵۰اعضا برسد آن‌موقع احتمالاً این نامه را به ایشان تقدیم کنیم.این کار منهای خط و خطوط و جزئیات سیاسی است.
ما گفته یوسفسینی، عده ای می‌گویند برخی از مراجعی که باید تحت عنوان مجلس دوم داشته باشیم نداریم. لذا این مجلس تنها شده‌است و باید مرجع وجود داشته باشد. در دنیا هم در کنار مجلس عمومی می‌جلس تخصصی بالاتر وجود دارد. این مجلس سامی نامند و این مجلس اتمه را در نظر گرفت. به به هر حال کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که این مجلس باشد.

این نماینده مجلس آمده‌اند تا در مجلسی باشد.بخشی از قوانین و مقررات در دست آن نمایندگان افتاد و تکروری پیش نمی‌آید که دولت از مجلس شاکمی باشد و بگوید که این نمایان تصمیمات این مجلس را تجدیدنظر کنیم. درحالی که رهبر معظم رهبری طیف گوناگون از احزاب کلاظ نظارت دارند. این هم راه‌حلی است و این درخواست هرقوت آماده شود ما تقدیم می‌کنیم.

سهمشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۸- ۲۲ رمضان ۱۴۴۰- ۲۸ و ۲۹- ۲۰۱۹- سال نودوسوم - شماره ۲۷۲۹۲۲

شرح دعای روز بیستم و دوم ماه مبارک رمضان



اَللّهُمَّ اِنْفَعِ لِي فِيهِ اَبوابَ فَضْلِكَ وَاَتَمِّلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتَكَ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَاَسْكِنْنِي فِيهِ بِحُضُوحَاتِ جَنَّاتِكَ بِمُحِبِّ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

خدایا باز کن برویم در این ماه درهای فضل را و برکات را در آن بر من نازل فرما و من موقع دار در آن به موجب خشودیت و مسکنم ده در آن وسطهای بهشت ای اجابت کننده دعای درماندگان

تفاوت عدل و فضل

در جمله اول این دعا، بر برخورداری از فضل خداوند را طلب می‌کنیم؛ یعنی، از خدا می‌خواهیم که درهای فضل را به روی ما بگشاید. «فضل» یعنی چه؟ اصل فضل به معنای زیاده است. اگر چیزی زیاد شد، به زیاده آن فضل می‌گویند. به تعبیری دیگر فضل به آن احسانی می‌گویند که کسی ابتداً به دیگری روا دارد، بدون اینکه حق او را طلب داشته باشد و احسانی به او کرده باشد؛ و ابتدا احسان کند؛ مثلاً اگر کسی هیچ خوبی‌ای به شما نکرده است هیچ احسانی به شما نداشته ولی شما به او خوبی می‌کنید؛ این خوبی را فضل می‌گویند، یعنی خوبی‌ای که در مقابل احسان نباشد. وقتی که شما خوبی می‌کنید در مقابل خوبی دیگری، این عدل است. نه فضل. عدل اقتضا می‌کند که اگر کسی به شما خوبی کرده، با او خوبی بکنید.

حالا درباره خدا؛ خدا هر انعامی که به ما بکند، هر چیزی که به ما بدهد، فضل او است. چرا؟ برای اینکه ما هیچ‌گاه از خداوند طلب‌کار نمی‌شویم؛ یعنی ما نمی‌توانیم به خداوند بگوییم: خداوند فضل را به من داد، پس من باید به خداوند بدهم. پس این آیه شریفه اشاره شده.

«ان تکفروا فان الله غنی عنکم»
خدا بی‌نیاز از شماست؛ یعنی اینکه چه با خوبی بکنیم یا نکنیم، اطاعت خدا را بکنیم یا نکنیم، بپرویزیم؛ به حال خدا فرقی نمی‌کند. البته اگر توفیق بایم که کار خوبی بکنیم این از فضل خداوند است که ما خوبی می‌کنیم و اگر عبادت هم بکنیم باز فضل خداست که شامل حال ما شده است؛ ولی در عین حال با اینکه بنده، هیچ‌گاه حقش را بخدا پیدا نمی‌کنیم، بر عکس همیشه خدا بر انسان حق دارد، خدا گفته است که: «اگر اطاعت نکنید، من به شما جزای خیری می‌دهم و اگر معصیت بکنید، پاداش بد خواهید داشت»؛ بنابراین خداوند اسم آن نوابهائی را که در مقابل عبادت به ما می‌دهد فضل بگذانسته است، بلکه می‌فرماید: «من در مقابل عبادت‌ات ثواب می‌دهم. آن احسانها و نعمتهایی که خدا به ما ازانی می‌دارد که واری عبادات ماست و در شبانه روز همواره مشغول آن هستیم؛ اینها همه فضل الهی است و حتی در مورد عبادت هم می‌فرماید: «کسی که ۷ صحنه بیایورد من ده برابر به او می‌دهم.» این که برابرش، مقابل حسنهائی است که من او بدهم.

این عدل الهی است و در مقابل پاداش عمل من است؛ ولی آن نه حسنه اضافه دیگری که به ما می‌دهد، فضل خداوند است و به علاوه همه نعمتهائی خداوندی که هم که شامل حال ما می‌شود، در مقابلش ما هرگز نه چیزی می‌توانیم به خدا بدهیم نه هرگز خدا به چیزی احتیاج دارد که به او بدهیم؛ همه احسانها و نعمتهائی خدا به ما فضل الهی است؛ یعنی احسانی است که در مقابل آن ما هیچ چیز به خدا ندادیم و اصلاً نمی‌توانیم بدهیم.

گستره فضل الهی
همه احسانها و کرهما و بخششهای خدا به ما، هم از نوابهائی دنیوی، و اخروی، نعمتهائی دنیوی و اخروی، همه اینها فضل الهی است؛ لذا اینجا می‌گویم: بخدا می‌توانم از فضل الهی به روی ما بگشا، یعنی درهای مکر و بخشش خودت را به روی ما بگشا و ما را مشمول فضل و برکات خودت بگردان.

مشتاب و دعا هم برکات
بندای دعا هم به آن برگشتش به همان مطلب قلبی است می‌فرماید: «و اِئِزِ عَلٰی عَلٰی فیه بَرَکَاتُکَ»؛ خدایا در این روز برکات خودت را بر من فریست، بعد از آن نیز می‌گوید: «و وَفَّقْنِی فیه لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتُکَ»؛ یعنی خدایا در این روز من توفیق بده که موجب خشنودیت و رضای تو را فراهم سازم؛ یعنی کارهایی انجام بدهم که موجب رضایت و خشنودیت تو بشود؛ اطاعت از تو بکنم، و معصیت تو نکنم و در دعای آخر که معمولاً (دعاهای اولی است می‌فرماید: «و اَسْکِنْنِی فیه بِحُضُوحَاتِ جَنَّاتِکَ»؛ خدایا! مرا در بنحوه (صحنه‌های بهشت) بگذاشت خودت ساکن کن. «یا مُحِبِّبِ دَعْوِ الْمُضْطَرِّانَ» کسی که اجابت می‌کنی دعوت و دعای مضطران را و بیچارگان را.

پس بپوش:

۱-سوره مبارکه که زمره آیه ۷

بیانیه مجمع روحانیون مبارز به مناسبت روز جهانی قدس

مجمع روحانیون مبارز در بیانیه‌ای در مردم ایران برای حضور در راهپیمایی روز قدس دعوت کرد.

به گزارش جماران، متن بیانیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

بار دیگر روز قدس در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان برای رسد و بلند فریاد لایسلمیسم، مسجداً الاقصی - قبله اول مسلمان - و مردم مظلوم فلسطین طنین افرازد و از مسلمانان جهان باری می‌خواهد، می‌رساند: می‌خواهد که خدایه خود برگردد و به روحانده سرزمین خود را از جنگل صهیونیستی‌های غاصب نجات دهد، می‌خواهد خدایان دنیگرمی مردم ملت‌ها سرزمینشان از آن آنان باشد. صاحبان اصلی فلسطین هفتاد سال است با مردم هزاران شکست مقاومت می‌کنند و از مسلمانان و همه موحدان عالم و از همه آزادگان می‌خواهد که اجازه ندهند قانون جنگل در این سرزمین پایدار شود و به خدای صهیونیست‌ها بیملین‌ها سالان را از خدایان خود جدا سازند و سرزمین‌ها را در میان‌ها

کنند و با زور و قتل و غارت کشوری را تصاحب کنند.
هنگامی که مانند در این اقام شد بشنیدی و خدا انسانی مجرم اول دولت انگلیس است و پس از آن دولت آمریکا و امروز بیشتر سن و تجاوز صهیونیست‌ها به مردم فلسطین با حمایت دولت آمریکا انجام می‌شود و تازه ترین خیانت این دولت با همدستی برخی حکومت‌های مختلف داستان معامله قرن است که از نظر مردم فلسطین و ملت‌های مسلمان محکوم است امروز ما همه این جنایت‌ها و خیانت‌ها در طول هفتاد سال این زبان و مردان فلسطینی هستند که به وعده الهی ایستادند و از ما و از همه مسلمانان و از آزادگان انتظار ایثار دارند.

مردم ایران بر اساس سنن نبوک که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه نهاده است، بار دیگر در روز جمعه - روز قدس - با شرکت با رهبری‌های ملی را بشکوه خود به خدای استغاثه مسجداً الاقصی و مردم مظلوم فلسطین پاسخ می‌دهند.

خداوند همه ملت‌های مسلمان و تمام کشورهای اسلامی را ایران تا فلسطین و مسجد الاقصی و تا حریم شریفین و تا دیگر سرزمین‌های اسلامی را از شر صهیونیست‌ها و حاشیان‌ها به ویژه دولت آمریکا حراست فرماید.

مجمع روحانیون مبارز ۱۳۹۸/۳/۲۶

علی لاریجانی رئیس مجلس ماند

جلسه علنی روز یکشنبهٔ مجلس به ریاست علی لاریجانی و با دستور کار انتخابت هیات رئیسه مجلس در سال چهارم کاری دوره دوم برگزار شد که از میان سه کاندیدای ریاست، علی لاریجانی با ۱۵۵ رأی، مجدداً به عنوان رئیس مجلس در سال پایانی فعالیت مجلس دهم انتخاب شد. محمدرضا عارف ۱۰۵ و محمد جواد ابطعی ۹ رأی کسب کردند و فقط پنج رأی به عنوان رأی باطله از مجموع ۲۷۴ رأی شمارش شده اعلام شد.

به گزارش ایسنا، همچنین مسعود پزشکیان، عبدالرضا مصری، علی مطهری و محسن حبیبیان فرهنگی به عنوان چهار کاندیداهای نواب رئیسی در انتخابات هیات رئیسه اعلام شدند که مسعود پزشکیان و عبدالرضا مصری به عنوان نواب هیات مجلس در چهارمین سال کاری مجلس دهم انتخاب شدند و علی مطهری و محمد جواد ابطعی را نایب‌رئیس.

لاریجانی بعد از انتخاب مجدداً به عنوان رئیس مجلس ابراز امیدواری کرد که در وی همچنین با اشاره به این که ما در آستانه روز قدس هستیم که اهمیت کانونی برای مسلمانان دارد، گفت: باید توجه کنیم در شرایط فعلی تحرک شیطنت‌آمیزی در منطقه دیده می‌شود. با عنوان طرح یزر غرب، اسرائیل (منامه) ترتیب می‌دهند که نقطه ننگی برای همه کشورهای است که این طرح نابودرانه شتبارت دارند. بعد از مشخص شدن نتایج انتخابات هیات رئیسه مجلس، ۱۲ عضو هیات رئیسه جدید در سال چهارم کاری دوره دوم سوگند برای اجرای این نامه را قرائت کردند. این گزارش حاکی است:در جلسه علنی یکشنبه، نمایندگان مجلس کلیات طرح اصلاح جدول دوره‌های انتخابات مجلس و تعداد نمایندگان آنها را بررسی کردند و نهایتاً با ۸۸ رأی در ۱۵۴ رأی موافقت و ۷ رأی معتنی با رأی نامزد در مقابل شد. مجلس همچنین طرح اصلاح مواد (۱۰ و ۱۱ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی را تصویب کرد.یک عضو هیات رئیسه مجلس هم سه سؤال جمعی نمایندگان را در وزیر ورزش و جوانان را اعلام وصول کرد.

و بیانیه ۲۵۲ نفر از نمایندگان در باره روز "جهانی قدس" قرائت شد.

در پایان هم یک عضو هیات رئیسه مجلس تذکرات کتبی نمایندگان به مسئولان اجرایی کشور و قرائت کرد.



بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

بنیان ۱۴۴۰

آیین اختتامیه نمایشگاه بین‌المللی قرآن برگزار شد

رئیس‌بیست‌و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن در آیین اختتامیه این نمایشگاه با تأکید بر اینکه نمایشگاه قرآن را به منزله یک کار نامدین، کسه بهره‌ای از آن نبریم و طرفی از آن ننبدیم، برگزار نمی‌کنیم، گفت: نمایشگاه قرآن را رویدادی می‌دانیم که راهی بسه دل‌ها پیدا می‌کند و معنای زندگی را، که در قرآن کریم جست‌وجو می‌کنیم، در دل‌ها به مثابه نهایی نوپا می‌نشانند.

به گزارش ایکتا؛ مراسم اختتامیه بیست و هفتمین دوره نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، چهارم خردادماه، در سالن نشست‌های این نمایشگاه در مصلاي امام خميني برگزار شد.

در این مراسم به با حضور جمعی از مسئولان و مدیران نمایشگاه و فعالان قرآنی برگزار شد، از دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی که در برگزاری نمایشگاه همکاری داشته‌اند و نیزسز غرقه‌ها و طرح‌های برگزیده تجلیل و قدردانی شد.

بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم با شعار «قرآن؛ معنای زندگی» همزمان با ماه مبارک رمضان از ۲۱ اردیبهشت تا ۴ خرداد در مصلاي امام خمینی (ره) برگزار شد.

در بخشی از این مراسم عبداللّٰه‌ی فقهی‌زاده، معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس نمایشگاه قرآن، به بیان سخنانی پرداخت.

وی درآیندای سخنان خود از همکاریاش در نمایشگاه قرآن به خصوص قائم مقام و مشاوران خود یاد کرد.

«پرویز بهرام» پیشکسوت هنر دوبله در گذشت

«پرویز بهرام» صدای ماندگار دوبلاژ ایران پس از یک دوره بیماری صبح روز گذشته درگذشت. مراسم تشییع و خاکسپاری مرحوم بهرام روز چهارشنبه هشتم خرداد ساعت ۱۰ صبح از مقابل تالار وحدت به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار خواهد شد.

پرویز بهرام ۴ مرداد ۱۳۱۲ در تهران متولد شد. این بازیگر تئاتر و مدیر دوبلاژ دانش آموخته کارشناسی حقوق قضایی بود. او کار در عرصه دوبله را از سال

۱۳۲۸ با فیلم ایتالیایی «هنرپیشه» شروع کرد. صدای این هنرمن از جمله صداهای ماندگار دوبله ایران بود و بی‌گمان یکی از ماندگارترین صداهای او در مسند «جادهی پریشم» و یکی از شخصیت‌های «کارگاه کاستر» آشنای گوش‌های ایرانیان است. در کارنامه کاری بهرام گودنگی به جای شخصیت‌هایی چون کرک داکلاس (اولیس ساخته مایر کلمرینی)، سرنگی یوناندرگ (اتللو ساخته سرنگی یونکوویچ)، لورنس اولیویه (هنر هشتم، اتللو)، اتنونی هاپکینز (نله تاتار اتللو)، جیمز میسون (اتللو کولتارتر)، ژولیوس سزار ساخته جوزف آل منکیه ویچ، مادم بوریاس ساخته ونسنت منلی، «اورسون ولز (فرل سوم)، هربرت لوم (جنگ و صلح ساخته کینگ ویدور)، جیسون روبراز (فرلانفیا جانانان دمی)، ریشار ژوردان (سرایال بی نوانی به نقش ازن‌الزاق)،ناصر ملک مطیعی (سرایال سلطان صاحب قران علی حاتمی) به نقش امیر کبیر به چشم می‌خورد.

اخبار داخلی

آیین اختتامیه نمایشگاه بین‌المللی قرآن برگزار شد



وی در ادامه گفت: آنچه از موفقیت نصیب ما شده است، جز به ین و برکت عنایت الهی نبوده است و البته همه کاستی‌ها از ما بوده و برای کمبودها و کاستی‌هایی که مشاهده می‌شود، از همه بازدیدکنندگان و ملت شریف‌ای ایران و مخاطبان نمایشگاه صمیمانه عذرخواهی می‌کنم.

وی در ادامه افزود: وعده داده‌ام که در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم اظهار کرد: رویکردهای ما در نمایشگاه قرآن در این دوره به اجمال بیان شد. اما تأکید بر این است که همه طرح‌ها و برنامه‌ها را با نوآوری و برجستگی‌های جدید و با جلوه‌هایی تازه‌تر از پیش جلوه‌گری کرد.

فقهی‌زاده تصریح کرد: بدون شک بالندگی فرهنگ قرآنی در میان کودکان و نوجوانان آرزوی بزرگ همه‌ماست؛ نمایشگاه قرآن را به منزله یک کار نامدین که بهره‌ای از آن نبریم

نخل طلای کن به کارگردان کره‌جنوبی رسید

هفتاد و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کن با اعطای جایزه نخل طلا به فیلم «پارازیت» از کشور کره‌جنوبی به کار خود پایان داد.

به گزارش ایسنا، هیأت داوران بخش رقابتی جشنواره فیلم کن ۲۰۱۹ به ریاست «الخاندرلو گونزالز ایلاریتو» جایزه نخل طلای بهترین فیلم این رویداد بین‌المللی را به فیلم «پارازیت» از کره‌جنوبی داد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«مضامین اصلی قرآن» در شهر کتاب بررسی می شود



کتاب «مضامین اصلی قرآن» نوشته‌ی فضل الرحمان، نویسنده‌ی تواندیش و تجدیدگرای پاکستانی، از جمله مشهورترین آثار مرجع در حوزه‌ی قرآن‌پژوهی است که در خارج از جهان اسلام نیز با اقبال بسیاری مواجه شده است. نگاه محققانه و جسورانه‌ی نویسنده سبب شده که در برخی فصول خواننده با دیدگاهی متفاوت و درخور تأمل روبه‌رو شود که ممکن است به عنوان پاسخ‌ها و راه‌حل‌های برای مسائل و مشکلات حقوقی و اعتقادی در دنیای معاصر عرضه شده باشد. به تازگی این کتاب را نشر کرگدن با ترجمه‌ی فاطمه علاءالدین راهی بازار نشر کرده است.

نخست هفتگی شهر کتاب در روز شنبه هفتم خرداد ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «مضامین اصلی قرآن» اختصاص دارد که با حضور دکتر ناصر مهدوی، دکتر مهرداد عباسی و فاطمه علاءالدینی در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قاصر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

ایرای «عاشورا» یام محرم روی صحنه می‌رود

بهروز غریب‌پور شهروبراه امسال، همزمان با ماه محرم ایرای «عاشورا» و پس از آن ایرای «مولوی» و سایر آثار گروه «آران» را در تالار فردوسی به صحنه خواهد برد.

به گزارش ایلتا، در ادامه رپرتاژ گروه غروبسکی «آران» به کارگردانی و نویسندگی بهروز غریب‌پور در سال جاری که با اجرای دو ایرای «عشق» و «خاتم» آغاز شد، این گروه شهروبراه و همزمان با ماه محرم ایرای «عاشورا» و پس از آن ایرای «مولوی» و سایر آثار گروه «آران» در محل تالار فردوسی بنیاد فرهنگی هنری رودکی در اجرا در خواهد آمد. همچنین عکس‌های سه ایرای این گروه برای انتشار در «کتاب نودمین سال تأسیس اتحادیه بین‌المللی نمایشگران غروبسکی جهان (یونیسما)» انتخاب شدند. این کتاب حاوی بهترین اجراهای نمایش‌های غروبسکی در نود سال اخیر است. ایبراهای «ارستم» و «سهراب»، «عاشورا» و لیلی و مجنون» ایبراهای برگزیده‌ای هستند که برای این رخداد بزرگ انتخاب شده‌اند. از میان این سه‌ اثر ایبراهای «عاشورا» و «ارستم» و «سهراب» بیشترین شمار اجرا در خارج از کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.

«پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد. «پارازیت» به نخستین فیلمی رسید که در این جشنواره جایزه نخل طلای بهترین فیلم را به دست آورد.



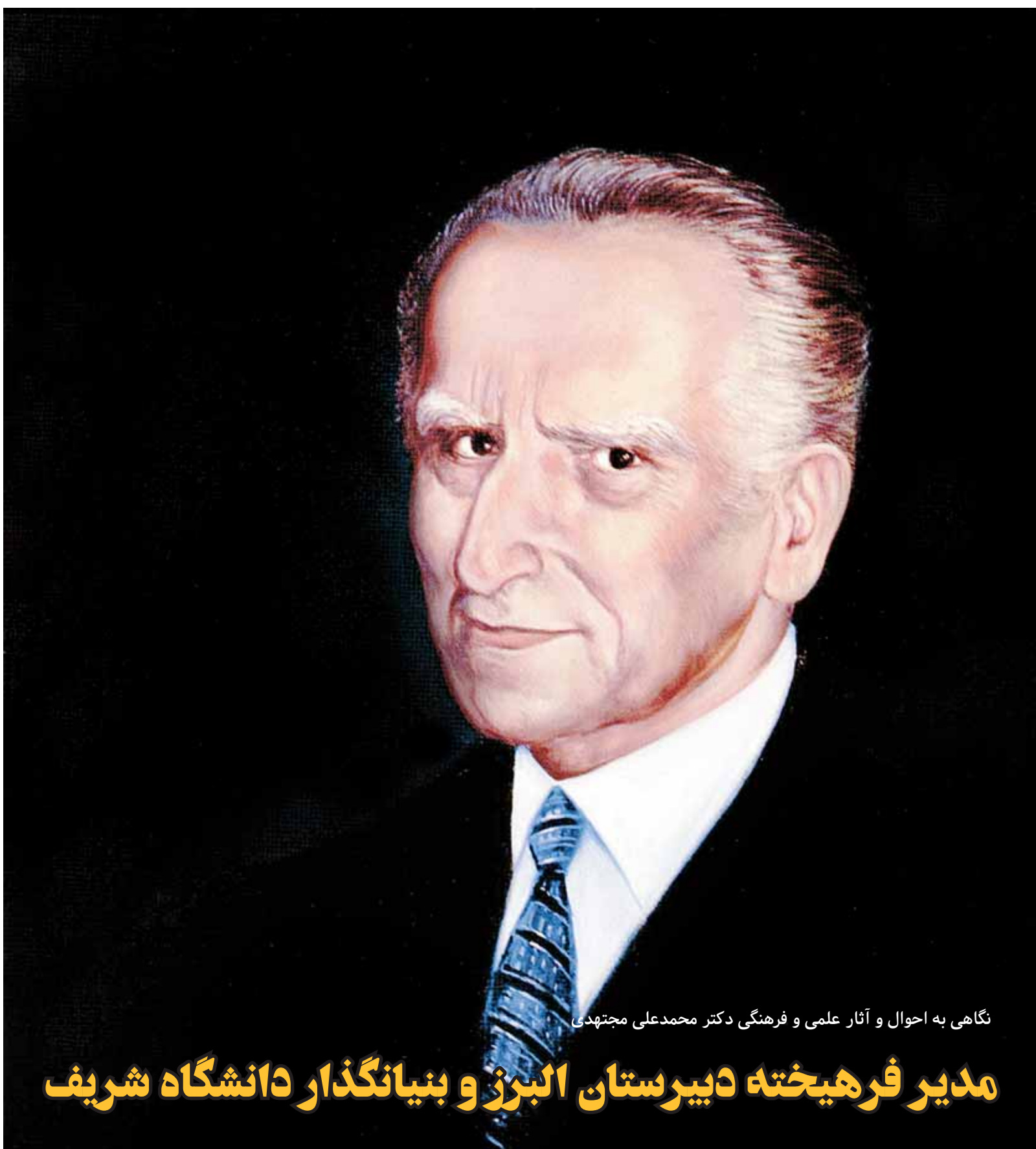
صدای مظفرالدین شاه
خطاب به صدراعظم
در صفحه گرامافون



۴۹۴

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات

سه‌شنبه ۷ خرداد ۱۳۹۸ - سال نودوسوم - شماره ۲۷۲۹۲



نگاهی به احوال و آثار علمی و فرهنگی دکتر محمدعلی مجتهدی

مدیر فرهیخته دیرستان البرز و بنیانگذار دانشگاه شریف

با دکتر دینانی در جهان مولانا

کیمیای عشق

کریم فیضی



فصل و وصل

بله، دیدن است که نشان می‌دهد وصلیم یا فصلیم. به هیچ چیز دیگری نیاز نیست. لازم نیست با سرعت نور و قدرت جاذبه و نیروی کهکشانی به جایی برویم یا کاری بکنیم و سفر کنیم. کافی است جلوه ببینیم. عده‌ای فکر می‌کنند برای وصل شدن به هستی، باید دست به کارهای خارق‌العاده بزنند و مثلاً با سرعت نور به حرکت در بیایند که فلان میلیون کیلومتر در ثانیه شتاب دارد. در اینجا بحث ثانیه و سرعت و حرکت نیست. توجه مطرح است و دیدن. توجه به جلوه حق، نتیجه‌اش وصل است. بحث مو است و پیچش مو:

تو مو می‌بینی و من پیچش مو

تو ابرو می‌بینی و من اشارت‌های ابرو «ابرو» بدون اشارات ابرو چه ارزشی دارد؟ بدون اشارات، ابرو، مقداری موی بی‌معناست که روی چشم روییده و صاف هم نیست و هلالی است! در اینجا نگاه تعیین کننده است. نگاه را باید عوض کرد. موضوع بستگی به این دارد که با چه نگاهی می‌نگریم و چه عینکی به چشم زده‌ایم!

عینک وصل به چشم داریم یا عینک فصل؟

اگر عینک دنیا به چشم داشته باشیم، دچار فصل هستیم و دچار فرایم، اما وقتی در همین دنیا جلوه حق ببینیم، در عالم وصل به سر می‌بریم. قبلاً از قول فخرالدین عراقی نقل کرده‌ام که می‌گوید: شخصی به زیبارویی خیره شده بود. پرسیدند: به چه می‌نگری؟ گفت: ماه را در آب می‌بینم. گفت: مولانا! اگر دملی به گردن نداری، سر را بلند کن و ماه را در آسمان ببین! ماه را در آسمان باید دید، نه در جای دیگر.

این برمی‌گردد به نوع نگاه. اگر از پدیده‌ها صورت و ظاهرشان را ببینیم، در عالم فصلیم، اما اگر عبور کنیم و به جلوه برسیم، به وصل رسیده‌ایم. ناله مولانا برای این است که صاحب این نگاه بشود و به وصل حق برسد که رسیدن به این نگاه و وصال حق، بازگشت به اصل است.

پس موضوع این است که انسان از وصل به فصل افتاده است. از اتصال به انفصال آمده است و همین موجب بی‌قراری اوست تا زمانی که دیگر بار وصل را در آغوش بگیرد.

این قولی است که همه عرفا به آن معتقدند و به زبان‌های مختلف گفته‌اند که ما از حق نزول کرده‌ایم و در طبیعت گرفتار شده‌ایم. باید از این گرفتاری خلاص شویم و به حق بازگردیم. این سیر و سرنوشت ماست، هر چند که شاید در این آمد و رفت و بازگشت، حکمت‌ها و مصلحت‌هایی باشد که بحث و بیان دیگری می‌خواهد.

سؤال این بحث این است که اگر بنا بود که به اصل برگردیم، چرا به اینجا آمده‌ایم، مگر نمی‌توانستیم در اینجا بمانیم؟

این مسأله بسیار عظیم است. اجمالاً باید گفت که در این فصل و وصل و از وصل به فصل آمدن و دوباره از فصل به وصل رفتن، حکمت و کمال و جلوه‌ای وجود دارد که اگر روی نمی‌داد، این حکمت و جلوه و کمال حاصل نمی‌شد، اما نمی‌توانیم به این بحث ورود کنیم و به قول مولانا:

شرح این هجران و این خون جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر بسیار خب. می‌رسیم به بیت بعدی که مولانا می‌گوید:

من به هر جمعیتی نالان شدم

جفت بدحلالن و خوشحلالن شدم
نائی این «تی» که مولانا است، توجه می‌دهد که در راه فصل و وصل و در راه جستجوی اصل و رسیدن به اصل، کوتاهی نکرده است. مولانا به سلوک خودش اشاره می‌کند و اینکه مرتب حرکت می‌کند و راه می‌رود و از همه جا عبور کرده و معبرها و معبدها را دیده و مردمان زیادی را درک و همراهی کرده است و با همه ناله‌ای داشته و ناله‌ای سر داده است. جمعیت‌ها هیچگاه یکسان نیستند و بدحالند و خوشحال. جامعه بشری طبقاتی دارد که یا خوشحالی دارند یا بدحالند.

مولانا همه این طبقات را از نزدیک دیده و رنج و لذتهای مردمان را تجربه کرده است.

ادامه دارد

نگاهی به رمان «طاقت زندگی و مرگ نیست» نوشته مویان



محمد رضا حیدرزاده

داستان کلیله و دمنه به سبک چینی

گرفته تا انقلاب فرهنگی و...

می‌توان این رمان را در جرگه ادبیات سوررئالیسم قلمداد کرد. خود نویسنده هم گاهی در کتاب حاضر است و حتی خودش را هم دست می‌اندازد...

این نویسنده، روستازاده است و تاریخ اخیر کشورش را از طریق زندگی روستایی روایت می‌کند. قواعد نوشتن در چین را می‌داند و ضمن دفاع از فردیت، آن را در لایه‌ای از شکرطنز می‌پیچد. حاکمان وقت و فساد و دورویی، ریا و ذلت، حرص و آز، و جاه طلبی صغیر و کبیر را با زبانی شیرین و طنزآلود و گاهی گزنده و تلخ، به باد ریشخند می‌گیرد.

در این رمان می‌خوانیم:

کتاب اول: مصائب خر: داستانتان از اول ژانویه ۱۹۵۰ شروع می‌شود. از دو سال پیش شکنجه‌های بی‌رحمانه‌ای به من داده‌اند که هیچ بنی بشری حتی تصورش را هم در اندرون دوزخ به خودش راه نمی‌دهد. هر بار که به دادگاه احضار کرده‌اند، بالحنی موقر و تکان دهنده، غمگین و رقت انگیز ادعای بی‌گناهی کرده‌ام.

صدایم در هر درز و شکاف تالار استماع فرمانروا مایا، مالک دوزخ، رخنه کرده و با پژواکی موج برگشته است. هرچه بی‌رحمانه‌تر شکنجه‌ام کرده‌اند، حتی یک کلمه نگفته‌ام پشیمانم. برای همین اسمم را گذاشته‌اند مرد آهنین.

می‌دانم که خیل ملازمان فرمانروا مایا در جهان زیرین ناگفته به من احترام می‌گذارند. ایضا می‌دانم که مالک دوزخ حالش از من به هم خورده و از دستم عاصی شده. پس برای آن که به زور وادارم کنند شکست را بپذیرم، شوم‌ترین شکنجه‌ای را که در دوزخ رسم است در مورد اجرا کردند: مرا انداختند توی پاتیل روغن جوشان و سرخم کردند.

یک ساعت تمام مثل جوجه بریانی غلتان و چرخان، تویش جلز و ولز کردم. کلمات از بیان حقیقت درد و رنجی که نصیبم شد قاصر است. عاقبت یکی از ملازمان، چنگکی در تنم فرو برد و سر دست بلندم کرد و از پلکان قصر بالا برد. ملازم دیگری هم به او پیوست و هر کدام یک طرف قرار گرفتند و مثل خفاش‌های خون آشام جیغ کشیدند.

در این بین، روغن سوزان از تنم روی پلکان تالار استماع می‌چکید و جلز و ولز کنان، گله به گله، دود زردی از آن بر می‌خاست. آن وقت با احتیاط مرا روی تخته سنگی پای تخت فرمانروا گذاشتند. تا کمر خم شدند و تعظیم کردند. یکی شان گفت: «برشته شده، فرمانروای بزرگ».

آن قدر برشته و ترد شده بودم که می‌دانستم با کمترین تلنگری خاکستر می‌شوم. بعد از بلندای تالار بالای سرم، جایی در پرتو نور رخشان شمعدانی، سؤال مسخره‌ای از حضرت مالک دوزخ شنیدم: «شیمین ناو، که نامت یعنی شورش دروازه غربی، خیال شورش دیگری در سر داری؟»

باور کنید دروغ نمی‌گویم. در آن دم که تن ترمدم در پاتیل روغن دراز به دراز افتاده بود و پوپ پوپ و ترق توروق می‌کرد، به خودم می‌لرزیدم. دچار توهم نشده بودم. به جایی رسیده بودم که دیگر تحمل درد را نداشتیم و نمی‌توانستیم تصور کنیم که اگر حالا تسلیم نشوم، این ماموران رشوه‌خوار، دیگر چه شکنجه‌ای به من روا می‌دارند. با این همه اگر حالا تسلیم می‌شدم، آیا خشونت‌های قبلی را رهایی‌دهنده تحمل نکرده بودم؟

تلاش کردم سرم را، که راحت کنده می‌شد، بلند کنم و در پرتو شمعدانی نگاه کردم و فرمانروا و قضات جهان زیرین را دیدم که دو طرفش نشسته‌اند و لبخند چرب به چهره دارند. خونم به جوش آمد. بروند به درک. به اقتضای موقعیت با خود گفتم بگذار مرا لای سنگ آسیاب آرد کنند، یا اگر بخواهند در هاون بکوبند و خدایم کند، من کوتاه نمی‌آیم. داد زدم: «من بی‌گناهم!»



همین که در صبح آفتابی اولین روز آن سال سرپا ایستادم، سم‌ها را در زمین سفت کردم تا نیفتیم. بعد اولین قدم را در جلد یک خر برداشتم و این طوری سفری ناآشنا، طاقت فرسا و خفت بار را شروع کردم.

قدیمی دیگر، لمبر خوردم و پوست شکمم سفت شد. آفتاب عالمتاب و آسمان فیروزه‌ای زیبایی را دیدم که کبوترهای سفید در آن پرواز می‌کردند.

لن لی ین را تماشا کردم که به بینگچون در برگشتن به خانه کمک می‌کند و دو بچه، یک پسر و یک دختر، را دیدم که هر دو کت تازه و کفش‌های پارچه‌ای راه راه پوشیده بودند و کلاه‌هایی از پوست خرگوش بر سر داشتند. از دروازه دوان دوان تو آمدند.

عررررر، هووووو... عررررر، همه چی تیره و تار شد، پاهایم لرزید و وا داد... افتادم: نمی‌خواهم خر باشم، می‌خواهم برگردم به جسم اصلی خودم، می‌خواهم با «شیمین ناو» باشم و حسابم را با شما آدم‌ها تسویه کنم.

درست در لحظه‌ای که افتادم، ماچه خری که مرا زاییده بود مثل دیواری که فرو بریزد، پخش زمین شد...

رمان قطور ۸۰۰ صفحه‌ای «طاقت زندگی و مرگ نیست» نوشته «مویان»، نویسنده بزرگ چین که با آن برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۲ شده، با ترجمه مهدی غبرایی، توسط نشر ثالث به بازار کتاب آمده است.

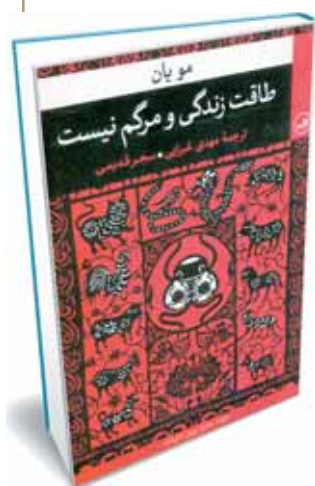
این رمان درباره مردی خرده‌مالک است که بعد از اصلاحات ارضی چین که زمین‌ها را بین دهقان‌ها تقسیم می‌کنند، دستگیر شده و کشته می‌شود.

نویسنده از اینجای داستان وارد حوزه سوررئالیسم می‌شود: خرده مالک را به دوزخ می‌برند. او شکایت می‌کند که من گناهی ندارم و اینها بی‌دلیل مرا کشته‌اند و خواهش می‌کند که او را به زمین برگردانند.

فصل نخست رمان با اسم «مصائب خر» شروع می‌شود. چون نویسنده در قالب یک خر به این دنیا بازمی‌گردد، مثل کتاب «کلیله و دمنه» که حیوانات حرف می‌زنند، در این رمان هم این اتفاق می‌افتد. سپس خر را می‌کشند و گوشتش را می‌خورند.

بعد نوبت روایت به یک ورزا (گاو نر) می‌رسد و پس از آن هم نوبت میمون و سگ و... به این ترتیب، نیمی از چرخه تناسخ را طی می‌کند و اینها در قالب حیوانات، شاهد ماجراهایی هستند که برای انسان در چین رخ می‌دهد.

نویسنده به این ترتیب تا سال ۲۰۰۰ تاریخ چین را در این رمان و در قالب طنز و کنایه و تمثیل و شعر خلاصه می‌کند. بعد از اصلاحات ارضی هم به مسائل مختلف اجتماعی می‌پردازد. از کارزار ذوب آهن





دلنوشته های آهان آهان دار

محبوب صالح علا

۲۴

یاد شما پشت چراغ قرمز نمی ایستد!

چشم بر شمد خاکستری آسمان می اندازم. باغ گلدوزی شده زیر پتوی سفیدی از برف پنهان شده است و من زمزمه درختان برهنه را می شنوم. چه ملایمت خنکی. حتما در تابستان پیش رو درخت های آتشین گلابی های تازه دارند. شادی هایی که ماترک شکرهای سرزند.

محبوب! یاد شما پشت چراغ قرمز نمی ایستد. از ورود ممنوع می گذرد؛ از بزرگ راه ها، خیابان ها، میدان ها و کوچه ها می گذرد و خودش را به برف ها می رساند.

محبوب! هر دفعه که عازم یاد شما هستم تا با یادتان زلفی گره بزنم و پیچ پیچ بکنم، بدویدو می روم، خودم را به آب ها می رسانم؛ صورتم را با لیف و صابون می شویم. عقلم را چند دست می شویم، آبکش می کنم و حافظه ام را با حوله تمیزی خشک می کنم. گرد و خاک دلم را می تکانم.

پوشال های حافظه ام را عوض می کنم؛ ملایمت خنکی است.

محبوب! می دانم زندگی همین حالاست، آن روز نیاید که از روبه رو بی خبر باشم.



محبوب! من به بی بی گفتم وقتی پیر شدید، دیگر نمی توانید ملکه زیبایی بشوید. برای همین زندگی همین حالاست. لطفا همین الان بخندید. کسی که دندان های سفید و قشنگی دارد می خندد. همین که دندان ها سیاه شد خندیدن به اکراه است.

محبوب! خیابان جلفا نرسیده به پارک بهشت بانوان، طبقه چهارم، زنگ ۸، شب ها چراغی روشن است. مردی تا سپیده بیدار است و برای شما ترانه می نویسد.

سینه ام دکان عطاری است، دردت چیست؟ شنبلله، رازیانه، شاهی و گشنیز، احله، آویشن، نیبذ سرخ شورانگیز. سینه ام دکان عطاری است، دردت چیست؟

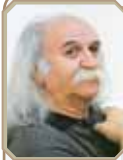
محبوب! تا امروز من آب را نوشیده ام، گل را بویده ام و انتظار شما را کشیده ام. پنجره ها و کوچه ها انتظار شما را به خاطر دارند. تا انتظار شماسی پیوسته تبسمی در راه است. شما را صدا می زنم، بی آن که لب هایم را تکان بدهم، مرا می شنوید.

روزی که در انتظار شما هستم، آسمان در من راه افتاده. هرگز راهی که به سمت شماسی، گم نمی کنم.

با یاد شما روزها ورق می خورند. گفتم تو را بخوانم به آواز با تحریرهایی سر ضرب در دستگاه شور که آهای کجایی عشق چند هزار ساله! عشق دیرینه سال؟

یاد تو که می رسد، خورشید از نوک هر واژه ترانه ام به نوک واژه دیگری در رفت و آمد است. یاد تو بازی نور است، شادی های عمیق. حالا تا آمدنت، یکی دو قدم بیشتر نمانده است. تو ستاره ای باستانی هستی.

در من گذر می کنی؛ گاه می ایستی و متبسمی. کجای جهانی؟ دیر نکرده ای، می آیی. من به همه گفته ام بار ما فراموشکار نیست؛ می آید. تُک پایی هم که شده می آید و مرا آباد می کند. کجایی؟ انتظار تو را کجای جهان می توان کشید؟ من انتظار تو را در دلم لاک و مهر کرده ام. یعنی که این دل به دیگری میل ندارد. خواستی مرا صدا کنی با همان اسم قدیمی صدا بزنی.



• حسن فرازمند



گلریز ملقب به آسیه خانم، حسن رادمر، یحیی زربنجه و عارف قزوینی هنرمندانی هستند که طی سالهای فعالیتشان با کمپانی «هیز مسترز ویس» همکاری کرده اند و به این ترتیب آثارشان در تاریخ موسیقی ایران ثبت شده است.

نقش گرامافون در عالم سیاست

ضبط متن سخنان مظفرالدین شاه خطاب به علی اصغر اتابک صدراعظم و وزیر، یکی از تأثیرات ماندنی نقش گرامافون در عرصه سیاست بود که طی آن کمپانی «ماکسیم پیک»، پنج صفحه از صدای شاه، وزیران بلندپایه و درباریان را در سه نسخه ضبط کرد و در حال حاضر از آن صفحات، صدای مظفرالدین شاه، اتابک اعظم و وزیر امور خارجه وقت باقی مانده است. متن سخنان مظفرالدین شاه به این شرح باقی مانده است:

«جناب اشرف اتابک اعظم! از خدمات سابق و لاحق شما، که تا به حال چهل سال است خدمت می کنید، از همه خدمات شما راضی هستیم. به خصوص از خدمات این سه چهار ساله ای که در صدارت خود حساب می کنیم و ان شاء الله از عوض اینها را همه را به شما مرحمت خواهیم فرمود و شما هم ابتدا ذره ای در خدمات خودتان، ان شاء الله، قصور نخواهید کرد و مرحمت ما را به اعلی درجه نسبت به خودتان بدانید.

ان شاء الله رحمان بعد از چهارصد سال که خدمت بکنید، امیدوار هستیم که همیشه خوب باشد و این خدماتی که به من می کنید و به مملکت ایران می کنید، البته خداوند او را بی عوض نخواهد گذاشت. ان شاء الله عوض او را هم خدا و هم سایه خدا که خودمان باشیم، به شما خواهیم داد و از خدمات همه وزرا هم راضی هستیم و شما هم خدمات همه را حقیقتاً خوب عرض می کنید و همه را به موقع عرض می کنید.»

پاسخ علی اصغر اتابک صدراعظم به مظفرالدین شاه

«این غلام خانه زاد که مورد مراجع همایونی که در مدت چهل سال شامل ذره بی مقدار شده است، اگر به صد سال عمر داشته باشم و خدمت گزاری بکنم، باز از عهده شکر مراجع شاهانه بر نیایم. از خداوند این غلام خانه زاد و سایر وزرا عظام توفیق خدمت گزاری به ولی نعمت خودمان می خواهیم که ان شاء الله در سایه مبارک همایونی، اسباب ترقی دولت و اهالی مملکت ایران به وجه احسن فراهم آید و خداوند ذات اقدس همایونی را به سلامت بدارد که نکته ای از ذقایق را در مرحمت نسبت به خانه زادان فرو گذار نفرمودند.»

ادامه دارد

واکوی سرگذشت واقعی رادیو در ایران - ۴

وقتی گرامافون مردمی شد

یکی از ابتکارات و نوآوری های کمپانی پولیفون این بوده که همزمان با عرضه صفحات، اشعار و ترانه های آنها را در قالب دفتر منتشر می کرده و در دسترس مخاطبان و علاقه مندان قرار می داده است. ترانه «مرغ سحر» از ساخته های مرتضی نی داوود در دستگاه ماهور وبا شعر ملک الشعرای بهار، از معروف ترین آثار این کمپانی است که در پاییز ۱۳۰۶ خورشیدی، با صدای ملوک ضرابی و تار مرتضی نی داوود بر روی صفحه ضبط شده است.

کمپانی کلمبیا

کمپانی «کلمبیا» با مدیریت برادران ارسطو زاده، یکی دیگر از شرکت هایی است که در زمینه تولید صفحات موسیقی فعالیت می کرده است. این کمپانی با ملک الشعرای بهار برای سرودن ترانه ها و اشعار قراردادی انحصاری بسته بود و از وجود خواننده های به نام جمال صفوی که طبق گفته ها صدای زنگدار و پرطنین داشته، بهره می برده است. نام این خواننده بر صفحات تولید شده توسط کمپانی کلمبیا به صورت «ج.ص.» درج می شده است.

کمپانی پدافون

کمپانی «پدافون» با مدیریت آقای مبین، دیگر شرکت فعال در زمینه تولید صفحات موسیقی است که با کلنل علینقی وزیر و موسی معروفی به عنوان آهنگساز همکاری می کرده است. حسین گل گلاب نویسنده، شاعر، موسیقیدان و نوازنده نیز یکی دیگر از هنرمندانی است که با این کمپانی همکاری می کرده و شعر معروف «ای ایران، ای مرز پر گهر» را او سروده است. روح انگیز نیز خواننده ای است که با کمپانی پدافون همکاری می کرده است.

کمپانی هیز مسترز ویس

کمپانی «His Masters vi-ice» با مدیریت موسی بنائی و محمود ایمن، یکی از مهمترین شرکت هایی است که طبق شواهد موجود، نسبت به بقیه رقیبا، سابقه و عملکرد بهتری داشته است. این کمپانی، تولید کننده دستگاه گرامافون بوده و مسئولیت و اداره آن را به عهده داشته است. صفحه و گرامافون هیز مسترز ویس به نام «سگ نشان» معروف بوده و با خوانندگان و نوازندگان مختلفی همکاری کرده است.



اقبال آذر ملقب به اقبال سلطان، درویش خان، ادیب خوانساری، قمر الملوک وزیری، تاج اصفهانی، سلیم خان، مرتضی نی داوود، حاج علی اکبر خان، عبدالحسین خان شهنازی، جواد بدیع زاده، خانم



در شماره های قبل تا دوره دوم و استفاده های اختصاصی و حکومتی از گرامافون برایتان نوشتیم. و الان از دوره ای می خواهم بگویم که به «عصر طلایی گرامافون» معروف است. عصری که دیگر گرامافون عمومیت یافته و مردمی شده است.

دوره سوم عمومیت یافتن «گرامافون» عصر پهلوی بود. در آن مقطع تاریخی بود که برخلاف گذشته، هر دو روی صفحه که اندازه یک بشقاب بود، مورد استفاده قرار گرفت؛ یعنی این امکان به وجود آمد تا کمپانی در هر دو روی صفحه به ضبط اثر بپردازد. و طی این روند بود که گرامافون جای خود را در جامعه ایرانی پیدا کرد تا آنجا که تعمیر آن را نیز تعمیر کاران ایرانی به عهده گرفتند.

استاد مرحوم جعفر شهری در ادامه تاریخچه گرامافون در جلد سوم کتاب «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» چنین نوشته است: «گرامافون سازی، یعنی تعمیر گرامافون و این کار را در ابتدا ساعت سازها که با دنده و پیچ و فنر سر و کار داشتند، اختیار نمودند و این حرفه کم کم به دیگران رسیده است. تعمیر کاران چرخ خیاطی نیز در سطح دانش و علمی که فقط بتوانند آن را روغن کاری و بعضی قسمت هایش را باز و بسته کنند و شکستگی فنرش را وصله و تعمیر کنند، بدان دست یازیدند.»

با ورود گرامافون های جدید بود که تصنیف های تازه و جدید تولید شد و مردم توانستند برای اولین بار صدای خوانندگانی را بشنوند که پیش تر فقط تعریف شان را شنیده بودند. در آن دوران، دو تصنیف «در ملک ایران» و «عروس گل» توسط کمپانی «پولیفون» تولید شدند و بسیار مورد توجه مردم قرار گرفتند که اشعار آنها را ملک الشعرای بهار (شاعر مطرح و مورد اعتنای آن زمان) سروده است.

کمپانی های فعال در عصر قاجار

پس از ورود گرامافون به ایران، کمپانی های مختلفی به ایران آمدند که هر کدام ویژگی های خود را داشتند و با هنرمندان مختلفی همکاری می کردند و به تولید اثر می پرداختند.

کمپانی پولیفون

آنگونه که می گویند، «پولیفون» با مدیریت شخصی به نام عزرا امیر حکاک، نخستین کمپانی فعال در ایران است. این کمپانی از وجود هنرمندانی چون امیر جاهد، مرتضی و موسی نی داوود به عنوان آهنگساز و از ملک الشعرای بهار و پژمان بختیاری در مقام شاعر و ترانه سرا بهره برده و قمر الملوک وزیری و ملوک ضرابی خوانندگانی بوده اند که با این کمپانی همکاری کرده اند.



نگاهی به احوال و آثار علمی و فرهنگی دکتر محمدعلی مجتهدی

مدیر فرهیخته دبیرستان البرز و بنیانگذار دانشگاه شریف

صنعتی آریامهر(شریف)، از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ // - ریاست دانشگاه ملی(شهید بهشتی)، از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۷

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مرداد سال ۱۳۵۸، دکتر مجتهدی از مهندس بازرگان(نخست وزیر وقت و همکار سابق وی در دانشکده فنی) خواست تا فرد دیگری را به جایش در دبیرستان البرز منصوب کند تا وی بتواند برای معالجه چشم خود به خارج از کشور برود.

او پس از معالجه چشم در ژنو به ایران بازگشت، اما در سال ۱۳۶۱ به دلیل معالجه نوه‌اش که بیماری قلبی داشت، مجدداً به خارج کشور رفت. در این ایام، دکتر مجتهدی نیز دچار نارسایی قلبی شد و سه بار سکنه قلبی را پشت سر گذاشت تا آن‌که به علت فشار روحی ناشی از فوت دخترش و تشدید بیماری قلبی، نتوانست به ایران بیاید و در دهم تیرماه سال ۱۳۷۶ در شهر نیس فرانسه درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. یاد و نام نیکش گرامی، روح پاکش قرین و غریق رحمت واسعه الهی باشد.

معرفی بنیاد فرهنگی دکتر مجتهدی

بنیاد فرهنگی دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی، به همت جمعی از فارغ‌التحصیلان و دانش آموزان دبیرستان ماندگار البرز و دانشگاه صنعتی شریف و دست‌آوردان علم و فرهنگ؛ هم‌زمان با ولادت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، در تاریخ ۲۱ مهرماه سال ۱۳۹۴ با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مؤسسه فرهنگی، هنری (چند منظوره) در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران تحت شماره ۳۶۹۸۲ به ثبت رسید.

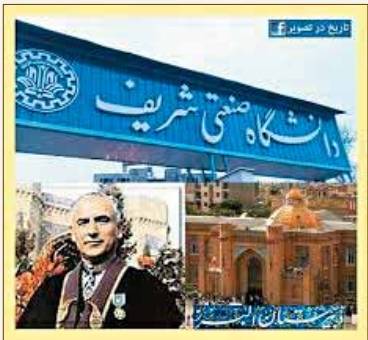
هدف از تأسیس این بنیاد، زنده نگاه داشتن نام نیک و خدمات ارزشمند دکتر مجتهدی، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های آموزشی، علمی و فرهنگی جامعه و اعتلای مکتب مدیریت آموزشی ایشان در مراکز علمی و دانش‌پژوهی در سطح دانش‌آموزی و دانشگاهی است.

تأسیس بنیاد دکتر مجتهدی، فرصتی است تا نسل جدید بتواند با بهره و الگوگیری از چنین شخصیتی به بالندگی، رشد و توسعه کشور کمک شایانی کند. از این منظر، مؤسسان بنیاد برآنند تا با ترسیم ساختار سامانی مدرن، ارزش‌های بنیادین، راه و روش و الگوی مدیریتی و فعالیت‌های کلیدی وی را که تداعی کننده روحیه ایران دوستی، صداقت، شهامت، نظم، پشتکار، امانت‌داری، پاک‌دستی و به ویژه توصیه ناپذیری اوست، همراه با دغدغه‌های تعلیمی، تربیتی و علمی دکتر مجتهدی، تدوین، استانداردسازی و ترویج نمایند.

برای رسیدن به این اهداف بزرگ، تهیه برنامه راهبردی بنیاد دکتر مجتهدی در دستور کار قرار گرفت و در آبان ۱۳۹۶ پس از انجام مطالعات تطبیقی، اجرای گفتگوی خبرگی با اعضای هیأت مؤسس و شخصیت‌های نخبه و برجسته کشوری و بهره‌گیری از روش‌های علمی، به نتایجی مشتمل بر «گزارش پایه»، «نقشه راه» و «برنامه‌های کلان و اجرایی بنیاد تا افق ۱۴۰۴» دست یافت.

در حال حاضر، بنیاد دکتر مجتهدی بر آن است تا با اشتراک گذاشتن رسالت، سیاست‌ها و برنامه‌های خود، گفتمان مؤثری پیرامون موضوع فعالیت‌های بنیاد سازمان دهد و با همدلی و هم‌آوایی دست‌آوردان و عاشقان ایران زمین، خدمات ماندگاری را به سرمایه‌های انسانی اقصى نقاط کشور ارزانی دارد.

ادامه در صفحه ۵



و بهترین دانشجو شد. محمدعلی طی سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ ابتدا موفق به اخذ مدرک فوق‌لیسانس شده و پس از آن دوره دکترا را در دانشگاه سوربن با انتخاب موضوع رساله «حل برخی مسائل مکانیک مایعات» به تحقیق و پژوهش پرداخت.

وی در پایان با امتیاز شایان افتخار که بالاترین امتیاز برای تأیید دکترا بود، موفق به اخذ درجه دکترا شد و پس از طی این مدارج عالی در سال ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و به عنوان دانشیار دانشکده علوم و دانشسرای عالی آغاز به کار کرد.

دکتر مجتهدی در مهرماه سال ۱۳۲۰ پس از پایان دوره سربازی در اهواز و برگشت به تهران، ضمن تدریس در دانشکده فنی دانشگاه تهران در مدرسه شبانه‌روزی البرز نیز صاحب مسئولیت و ریاست شد.

دبیرستان البرز که در سال ۱۲۵۴ توسط دکتر ساموئل جردن آمریکایی تأسیس شده بود، به دنبال دستور دولت برای تأسیس و اداره مدارس علمی و پایان دادن به مدیریت خارجی‌ها بر مدارس کشور، با رفتن جردن از ایران، دکتر مجتهدی در سال ۱۳۲۳ به ریاست دبیرستان ماندگار البرز برگزیده شد.

دکتر مجتهدی به مدت ۳۵ سال مدیر این دبیرستان بود و بسیاری از دانشمندان و مشاهیر علمی کشور را تربیت کرد.

وی این مدرسه را به بهترین و مشهورترین مدرسه ایران تبدیل کرد و هم‌زمان با ریاست دبیرستان در سال ۱۳۴۰ ریاست دانشگاه شیراز را نیز به عهده گرفت و در آذر ماه ۱۳۴۱ به مدت سه سال رئیس دانشگاه پلی تکنیک تهران (امیرکبیر) شد و از آبان ۱۳۴۴ اقدام به تأسیس بهترین دانشگاه صنعتی کشور، دانشگاه صنعتی آریامهر(شریف) کرد.

فعالیت این دانشگاه از مهر ۱۳۴۵ با جذب ۶۵۰ دانشجو و ۷۰ استاد برجسته آغاز شد. اما مؤسس این دانشگاه، تنها یک سال و اندی به عنوان رئیس دانشگاه خدمت کرد و این پست در سال ۱۳۴۶ به پروفیسور فضل‌الله رضا واگذار شد. وی پس از آن به مدت پنج‌ماه رئیس دانشگاه ملی(شهید بهشتی) شد و تا اوایل دهه ۵۰ هم‌زمان با ریاست دبیرستان ماندگار البرز سمت‌های دیگری برعهده داشت تا آن که در سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد و صرفاً به فعالیت در دبیرستان البرز ادامه داد.

مسئولیت‌های دکتر مجتهدی در دوران سی‌وپنج سال خدمات ارزشمند، عبارت‌اند از: - ریاست دبیرستان البرز، از اول مردادماه ۱۳۲۳ تا اول مردادماه ۱۳۵۸ // - عضویت رسمی شورای عالی فرهنگ، در سال ۱۳۲۴ // - مدیر کل آموزش وزارت فرهنگ، در سال ۱۳۲۵ // - ریاست دانشگاه شیراز، در سال ۱۳۴۰ // - ریاست دانشگاه پلی تکنیک تهران (امیرکبیر)، از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ // - بنیانگذاری و ریاست دانشگاه

به مملکت‌تان خدمت کنید

بی‌تردید، تکریم و ارج نهادن به مقام و منزلت نخبگان و مفاخر علمی و فرهنگی کشور، علاوه بر ایجاد انگیزه برای پیشرفت و تکامل دانش و فرهنگ جامعه، موجب فرهنگ‌سازی و الگوفرینی برای نسل امروز و آینده خواهد شد.

خدمات ارزنده زنده‌یاد «دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی» در تربیت سرمایه‌های انسانی ایران زمین، طی ۳۵ سال ریاست پیوسته بر دبیرستان ماندگار البرز، به فرموده خداوند «... و اما ما نینفع الناس فیما کمث فی الارض... رعد/۱۷»، یعنی «چون آنچه به مردم سود می‌رساند، در زمین می‌ماند» ماندگار شد. آن بزرگ‌مرد، خدمت به مملکت را تنها آرزو و وصیت به فرزندان معنوی خود اعلام کرد تا موجب جاودانگی آن تفکر شود. او پیوسته می‌گفت: «به مملکت‌تان خدمت کنید». بی‌تردید تأسیس بنیادها و مراکز علمی و فرهنگی، در شناساندن و معرفی نخبگان و اعتلاء و بالندگی دانش و فرهنگ جامعه کمک شایانی می‌کند.

در این راستا «بنیاد فرهنگی دکتر مجتهدی» به همت جمعی از فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان دبیرستان البرز، دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده فنی دانشگاه تهران، دانشگاه امیرکبیر و دست‌آوردان علم و فرهنگ با هدف زنده نگاه‌داشتن نام و یاد دکتر مجتهدی و تبیین و ترویج مبانی و شاخص‌های مکتب مدیریت آموزشی ایشان به عنوان یکی از چهره‌های فروزان آموزشی، علمی و فرهنگی در ۲۱ مهر ۱۳۹۴ ه. ش تأسیس شد.

امید است با همت و همدلی فرهیختگان، دانشگاهیان، فرهنگیان و دست‌آوردان علم، خرد و دانایی، زمینه و بستر تحقق این اهداف متعالی فراهم آید.

بهزاد اشتري

رئیس بنیاد فرهنگی دکتر مجتهدی

معرفی دکتر مجتهدی

دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی، اول مهرماه ۱۲۸۷ در شهر لاهیجان چشم به جهان گشود، در دو سالگی، مادر خود را از دست داد، پدر او از تجار ابریشم و یکی از زمین‌داران شهر لاهیجان به شمار می‌آمد. برخلاف بسیاری از مشاهیر ایران زمین، پدر محمدعلی، کمک چندانی در امور مربوط به تحصیل علم به فرزندش نکرد و با وجود داشتن ثروت فراوان، اجازه تحصیل در شهرهای دیگر را به پسر نداد.

به این ترتیب او در ۷ سالگی از مدرسه حقیقت لاهیجان کسب علم را آغاز کرده در سال ۱۲۹۹ به دلیل اوضاع سیاسی گیلان ناشی از اشغال ایران توسط روس‌ها و نهضت جنگل؛ دوران دانش‌آموزی محمدعلی با وقفه مواجه شد.

او در سال ۱۳۰۴ با کمک ارثیه مادر به تهران آمد و در دارالمعلمین مرکزی تحصیلات دوره دبیرستان خود را آغاز و سال‌های پایانی دبیرستان را در مدرسه شرف گذراند.

محمدعلی در سال ۱۳۱۰ با گذراندن دوره ۶ساله متوسطه، دیپلم گرفت و در آزمون اعزام محصل به فرانسه، رتبه قبولی را به دست آورد و به این ترتیب راهی اروپا شد و یک سال در مدرسه بلژپاسکال در شهر کلرمون فران، به تقویت زبان فرانسه پرداخت. پس از آن وارد دانشگاه لیل شد و لیسانس مکانیک را در سه سال به دست آورد. او در مکانیک استدلالی بین تمام هم‌دوره‌های خود عنوان اول را به دست آورد



دوستانی بهتر از آب روان

خاطرات من و سهراب

دکتر حبیب‌الله مسباتی

سهراب هم که در زمینه هنری چه شعر و چه نقاشی، پیرو مکتب «هنر برای هنر» بود در معرض تیرهای انتقاد قرار گرفت، اما همانگونه که در یادداشت‌های پیش اشاره کردم، او مانند «رهگذر» سروده منوچهر شبیانی، بی‌اعتنا به سر و صداها اطراف به کار هنری خود ادامه داد و تدریجاً کارهای هنری او، چشم همگان را خیره کرد. این نکته را هم باید یادآور شوم که گرچه سهراب پیرو مکتب «هنر برای هنر» بود، اما در سروده‌هایش موارد زیادی دیده می‌شود که پیرامون مسائل اجتماعی است. در میان سروده‌هایش قطعاتی مانند: آب را گل نکنیم، خواهم آمد، پشت دریاها شهری است و بسیاری دیگر رنگ و بوی اجتماعی و مردمی دارند؛ اما او هیچگاه بر اثر تلقین دوستان سیاست‌زده، دست به خلق اثری نزده است و به همین علت هم عده‌ای او را شاعری خوانده‌اند که بی‌خبر و دور از اجتماع خود است.

مبادی آداب، صادق، نیک‌اندیش، بی‌نیاز

سهراب به غایت، مبادی آداب بود. هیچگاه با سخشن یا رفتارش کسی را آزرده نمی‌کرد. نیک‌اندیش بود و به جهان و هرچه در آن است با عینک خوش‌بینی می‌نگریست. سخنی نمی‌گفت که بر آن باور نداشته باشد؛ لذا از چیزی، شخصی و مطلبی که در دیدار او تمایزی نداشت، به دروغ تمجید و تحسین نمی‌نمود.

شخصاً در پی کسب شهرت نبود. وقتی نمایشگاهی از کارهای نقاشی‌اش ترتیب داده می‌شد، برخلاف رسم معمول که در شب افتتاح نمایشگاه، هنرمند نقاش شخصاً حضور می‌یابد و با بازدیدکنندگان گفتگو می‌کند، از حضور در آنجا خودداری می‌کرد و معتقد بود مردم برای مشاهده آثار هنری می‌آیند، نه برای دیدار شخص نقاش.

در زمان حیاتش بارها شب شعر با نام او و برای بزرگداشت او برپا کردند، اما خودش در آن مجالس شرکت نمی‌کرد. به مسائل مادی بی‌اعتنا بود و در هر حال خود را بی‌نیاز می‌دانست. بد نیست مطلبی را از نوشته‌های دوستم آقای دکتر محمود فیلسوفی نقل کنم:

«سهراب از زو و زور بی‌نیاز بود و بنا بر این به چابلوسی و کرنش احتیاج نداشت. روزی عازم تهران بود. گفت نمایشی از تابلوهایم در گالری سیحون برگزار خواهد شد؛ اگر میل داشتی به اتفاق دوستان به سراغ من بیاید.

داشتم از تعجب شاخ در می‌آوردم. چون امکان نداشت برای نمایش کارهایم از کسی دعوت کند. به اتفاق سه تن از دوستان راهی تهران شدیم. همه با لباس سفر و گیوه به پا، پیرسان پیرسان به سراغ گالری سیحون رفتیم و قدم به اندرون گالری گذاشتیم. ظاهراً قیافه و هیأت ظاهری ما برای محفل آنجانی، دور از ذهن بود که خانم سیحون به طرف ما آمدند و فرمودند آقایان فرمایشی داشتند؟ (چنین سؤالی از مراجعین به گالری عجیب است) و من گفتم مسافر کاشان هستیم و به دعوت سهراب برای دیدار آثار ایشان آمده‌ایم.

خانم سیحون که به نظر خیلی باهوش می‌آمد، بلافاصله پرسید: «شما دکتر فیلسوفی هستید؟» جواب مثبت بود. ما را به داخل ساختمان، محلی که چای و دم و دستگاه سماور آماده بود، راهنمایی کردند و به این ترتیب حساب ما را از سایرین جدا نمودند. بعد از چند دقیقه سهراب پس از شکافتن صف مستقیلین به دیدار ما آمد. پس از گفتگو و تشکر، از سهراب و خانم سیحون خداحافظی کردیم. در این بازدید از خانم سیحون دو نکته به من تذکر داده شد که فراموشم نمی‌شود:

۱) تابلویی مورد نظرم بود، قیمت آن را پرسیدم. خانم سیحون گفتند فروش رفته است؛ اما سهراب گفته است هر تابلویی را که دکتر فیلسوفی خواست، در اختیارش بگذارد.

ادامه دارد



خاطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی
در عرصه آواز و موسیقی

يك عمر خاطره

۱۲۵

خیلی عجیب است که من از همه مطالب آن مجله، تنها یک موضوع، آن هم به‌طور مبهم در خاطر مانده است که آن موضوع (پیدا کردن خدا) توسط مدیر دانشمند آن مجله بود توسط بشر ۱۱ حسی.

دکتر بدیع‌زاده، مقالات مفصل و دنباله‌داری درباره خدا و ماهیت آن در هر شماره می‌نوشت و سرانجام پس از تعبیر و تفسیرهایی چند، منبعث از نظرات و افکار دانشمندان دینی و غیر دینی، عرفا و متصوفه به این نتیجه نهایی رسید و قاطعانه اعلام نمود که: «خدا، همان وجدان آدمی است.» و بدین‌سان خیال خود و خوانندگان مجله‌اش را که ماه‌ها در انتظار نتیجه بودند راحت کرد و عجیب‌تر این که هیچ جنبنده‌ای در مقابل ادعای آقای دکتر، کمترین اظهارنظر، انتقاد یا اعتراضی نکرد و صدایی اعم از موافق یا مخالف از جایی برخاست!

و مرا در همین جا خاطره و لطیفه‌ای - موجه یا ناموجه - به یاد آمد از دوست گرامی، استاد جلال ذوالفنون، نوازنده شیرین پنجه سه‌تار در یکی از جلسات منعقد در یکی از سالن‌های ساختمان «جام‌جم» یعنی تلویزیون ایران که در سه چهار سال پیش، روزهای شنبه هر هفته به دعوت آقای کلهر - مدیر کل اسبق موسیقی ایران - در صدا و سیما با حضور جمعی در حدود صد، صد و پنجاه نفر از شاعران ترانه‌سرا و موسیقی‌دانان مشهور امثال آقایان دکتر ریاحی، علی تجویدی، مصطفی کمال‌پور تراب، فرهاد فخرالدینی، جلال ذوالفنون، محمود تاجبخش، عباس خسروی، یوسف زمانی و دیگر عزیزان هنرمند تشکیل می‌شد.

در آن جلسات هنر موسیقی مورد بحث و فحص قرار گرفته و سخنرانی‌های سودمندی ایراد می‌شد و مهمتر از آن، در مملکتی که هیچ نشانی از کانون‌ها، اتحادیه‌ها و تشکل‌های هنری دیده نمی‌شود، ملاقات هنرمندان با یکدیگر و تجدید و تحکیم دوستی و مودت بین ایشان بسیار مغتنم بود که متأسفانه عمر این جلسات، همانند خوشبختی‌های دیگر بشری زودگذر بود و با رفتن آقای کلهر - که علاقه وافر به موسیقی از نوع علمی آن داشت و انتساب آقای معلم دامغانی (شاعر) به جای ایشان در مقام ریاست موسیقی (!) آن جلسات پربار نیز تعطیل شد و بازهم متأسفانه این افتراق و جدایی بین هنرمندان - غیر از معدود کسانی که واجد مقام و مسئولیت‌های بی‌اثر در نهادهای رسمی موسیقی هستند - ادامه دارد و ایشان از حال یکدیگر بی‌خبرند تا زمانی که «ناگهان بانگی برآید، خواجه مرد!»

بله صحبت از ادعای دکتر بدیع‌زاده (خدا یعنی وجدان) بود و این که کسی در مورد این مدعا سخنی موافق یا مخالف نگفت و قرار شد خاطره‌ای از استاد ذوالفنون در رابطه با همین مطلب عرض کنم که موضوعاتی جانبی بر آن پیشی گرفت.

به‌هرحال، در یکی از آن جلسات که من نزدیک ذوالفنون، این هنرمند بی‌ادعا و نجیب، طناز و دوست داشتنی نشسته بودم، از حال و احوال برادرش - محمود ذوالفنون - همکار رادیویی خودم که رهبر نوازنده یکی از ارکسترهای رادیو ایران در دهه ۳۰ بود، پرسیدم. ایشان پاسخ دادند که: «برادرم محمود سالهاست که مقیم آمریکا شده و در آنجا زندگی خوبی دارد و کاری هم به کار کسی ندارد؛ بدین معنی که مثلاً در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا هر کس رئیس‌جمهور شود برای محمود فرقی نمی‌کند و او اعتراضی ندارد!»

زان بی‌نشان

با هیچکس نشانی زان دلستان ندیدم

یا من خبر ندارم، یا او نشان ندارد (حافظ)

ادامه دارد

سی‌دی، فیلم‌های ویدئویی و اقلام رایانه‌ای مجاز به ویژه در زمینه‌های معارف اسلامی و ادبیات فارسی. ع-تهیه فیلم‌های تلویزیونی، انیمیشن و رایانه‌ای بلند و کوتاه اعم از داستانی، مستند، آموزشی، صنعتی و تاریخی متناسب با اهداف بنیاد و مطابق ضوابط مربوط. ۷- ارائه خدمات پیمان مدیریت برای اجرای پروژه‌های فرهنگی - هنری. ۸- طراحی و برگزاری دوره‌های آموزشی مهارتی فرهنگی - هنری.

نامه غمگنامه دکتر مجتهدی

قسمتی از نامه زنده‌یاد دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی به معاون‌شان زنده‌یاد اسدالله موسوی ماکویی در تاریخ ۱۳۷۵ که از شهر نیس فرانس نوشته‌اند و واقعا جای تأسف بسیار دارد:

دوست و همکار دیرینم جناب آقای اسدالله موسوی ماکویی!

این آقایان فارغ‌التحصیل دبیرستان البرز، پلی‌تکنیک، دانشکده فنی و دانشگاه شریف، خوب مرا می‌شناسند و می‌دانند که به جز خدمت به آنها و به دست آوردن جوانان فاضل و ایران‌پرست، نظری نداشتم و معتقد بوده و هستم، تا جوانان فاضل و ایران‌پرست و دانشمند به اندازه کافی نداشته باشیم، نمی‌توانیم وطن عزیز خود را ترقی دهیم. اینها نتیجه چهل سال خدمت به جوانان وطن عزیزم بوده و جز راستی و حقیقت چیز دیگری نبود. با این اوصاف، حالا باید در آخر عمر، بی‌دریافت حقوق بازنستستگی زندگی کنم!

پس چرا از من دولت ایران جهت تجلیل در دانشگاه شریف دعوت کرد؟ آیا باید در آخر عمر محتاج فامیل همسرم باشم؟ پس ۲۷ هزار مترمربع ساختمان‌هایی که در دبیرستان البرز به طور مجانی و با هدایای مردم درست کرده‌ام و دهها هزار جوانان فاضل و دارای اعتماد به نفس جهت خدمت به وطن عزیزم به ایران تحویل داده‌ام، خیانت بود؟! به هر حال با دیدن امثال من، جوانان ایران حاضر می‌شوند در وطن خود خدمت کنند؟ با خود نمی‌گویند که افراد صادق و علاقمند به وطن عزیز اشتباه می‌کنند؟

شاید عده‌ای ندانند که پیکر این بزرگمرد علم و فرهنگ، بدون علاقه خود در شهر نیس فرانسه، زادگاه همسرشان، در کنار دو فرزند و همسرشان آرمیده است. زمانی که با بسیاری از البرزیان که ایشان را به آمریکا برای تجلیل‌شان دعوت کرده بودند تی‌شیرتی با چاپ دبیرستان البرز در روی آن به ایران برای آقای موسوی فرستادند و وصیت کردند تا آن را در زادگاه‌شان لاهیجان به روی مزارشان بگذارند.

امید که با یاری عزیزان علاقه‌مند، این درخواست دکتر مجتهدی بزرگمرد، جامه عمل بپوشد.

مهارت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان دبیرستانی و دانش‌جویان دانشگاه‌ها. ۲- تلاش برای سازماندهی دانش‌آموزان و دست‌پروردگان دکتر مجتهدی در مرکز آموزشی وابسته. ۳- اعطای جایزه و نشان علمی، فرهنگی و آموزشی بنیاد به دانش‌آموزان آموزش متوسطه و عالی. ۴- اعطای بورسیه و حمایت مالی از علاقه‌مندان، دانش‌آموزان و نخبگان آموزش متوسطه و عالی کشور برای اهداف علمی، فرهنگی و هنری بنیاد. ۵- تأسیس، تجهیز و حمایت مالی و معنوی از مراکز آموزشی و فرهنگی؛ به صورت وقف عام به نام بنیاد. ع- اهتمام به طراحی دوره‌های آموزشی جهت مهارت‌آموزی جوانان و توسعه سرمایه اجتماعی بویژه در مناطق محروم با رویکرد آموزش نحوه خدمت به مملکت برگرفته از شاخص‌های مکتب مدیریتیتی دکتر مجتهدی در سطح فردی، خانوادگی، گروهی، سازمانی و اجتماعی. ۷- اهتمام به تحویل‌گیری و مدیریت تام و کامل دبیرستان ماندگار البرز؛ به منظور بازآفرینی و الگوسازی شاخص‌ها. ۸- ایجاد مجتمع فرهنگی، آموزشی و تفریحی در زمین اهدایی جناب یاورزاده (در ابتدای مسیر بام سبز لاهیجان) برای ارتقای سطح فرهنگی مردم، به ویژه در شهرستان لاهیجان، استان گیلان. ۹- ایجاد نهادهای برای گردهمایی شاگردان وفادار و دوستداران دکتر مجتهدی در راستای کمک به توسعه ایران. ۱۰- ایجاد فضای نهادی و اطلاعاتی مناسب جهت جذب اعضای ۱۰۰۰ نفره در حلقه اول عضوگیری برای بنیاد با اولویت دانش‌آموزان دبیرستان ماندگار البرز و دانشگاه‌های شریف، تهران و امیرکبیر (در سراسر جهان). ۱۱- شناساندن و معرفی افراد برجسته و خدمتگزار واقعی جامعه به عموم مردم، در سطوح مختلف. ۱۲- تهیه و تدوین دستور کارهای اجرایی و مرمانامه مالی شفاف بنیاد و اجرای آن پس از تصویب.

* موضوع فعالیت‌های بنیاد دکتر مجتهدی

مندرج در اساسنامه ثبتی و مجوز دریافتی

۱- طراحی و اجرای نظام‌های اطلاع‌رسانی، طراحی سایت، تهیه بانک‌های اطلاعاتی و یا ایجاد کتابخانه برای سازمان‌ها و موسسات؛ در زمینه‌های فرهنگی، هنری، علوم قرآنی و معارف اسلامی. ۲- گردآوری و تدوین مجموعه‌های مستند درباره مسائل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی ایران و سایر کشورها. ۳- انجام مطالعات و تحقیقات، متناسب با اهداف و فعالیت‌های بنیاد و اجرای طرح‌های پژوهشی. ۴- مشارکت در برگزاری همایش و سمینار و همکاری در برپایی نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی - هنری. ۵- عرضه و مبادله محصولات فرهنگی هنری دارای مجوز از قبیل: کتاب، مطبوعات، نوارهای صوتی و تصویری،

بنیاد دکتر مجتهدی در افق ۱۴۰۴

* چشم‌انداز:

یکی از سه بنیاد برتر علمی - فرهنگی // احراز رتبه بنیاد برتر، حامی دانش‌آموزان و دانشجویان با استعداد و تیزهوش // تنها بنیاد ایرانی دارای اعضای برجسته داخلی و خارجی در سه لایه (لایه اول: دانش‌آموزان دبیرستان البرز، لایه دوم: تحصیلکرده‌های علاقه‌مند به دکتر مجتهدی و لایه سوم: عموم مردم)

* مأموریت:

- زنده نگه داشتن نام دکتر مجتهدی برای فرزندان ایران به عنوان الگوی ایران دوستی، صداقت، شهامت، نظم، پشتکار، امانت‌داری، پاک‌دستی و به‌ویژه توصیه‌ناپذیری وی همراه با دغدغه‌های تعلیمی، تربیتی و علمی دکتر مجتهدی - نشر و ترویج ارزش‌های کلیدی ناشی از خدمات الگوساز و مدیریت آموزشی دکتر مجتهدی // شناساندن خدمتگزاران و افراد برجسته به عموم مردم // حمایت از دانش‌آموزان، دانشجویان و جوانان با استعداد و کوشا // استفاده از ظرفیت‌های بنیاد در راستای ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی و فرهنگی

* استراتژی‌ها:

رسمی کردن فعالیت‌های بنیاد با عضوگیری در حلقه اول اعضا (دانش‌آموزان دبیرستان البرز، شریف و دانشکده فنی)

- تأسیس اولین مرکز سازمانی و ساختمانی بنیاد و بنای یادبود دکتر مجتهدی در لاهیجان. // تأسیس حداقل یک مدرسه / مرکز آموزشی نمونه با نام البرز ۲ که تحت شرایط خاص پذیرای دانش‌آموزان نخبه در سطوح مختلف ابتدایی و متوسطه باشد.

* اختصاص لاقال ۵۰ درصد از درآمد مرکز آموزشی مهارتی بنیاد به دانش‌آموزان نخبه بی‌بضاعت. * راه‌اندازی جشنواره و مسابقه علمی سالانه با نام دکتر مجتهدی؛ برای دانش‌آموزان متوسطه.

* تهیه و تدوین آیین‌نامه اجرایی در حوزه تصمیم‌گیری عالمانه و شفاف بنیاد، که ضمن تشکر مجامع، گزارش فصلی برنامه‌ها و فعالیت‌ها ارائه شود. این فرآیند به این صورت مدنظر می‌باشد. (مکتوب شدن بایدها و نبایدها / گزارش دهی و شفافیت / ارزیابی و اصلاح مداوم امور / ارتقای فرهنگ صراحت و نقدپذیری / اسرلوحه قرار دادن خدمت به مردم و مملکت با پرهیز از عضویت شخصیت‌های سیاسی و حزبی در نظام تصمیم‌گیری بنیاد).

* اهداف عالی:

۱- استفاده از تجربیات دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به مکتب دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی برای افزایش پرورش استعدادها، سطح



دبیرستان البرز در چهارراه کالج - سال ۱۳۰۱ خورشیدی

تازه‌های کتاب

در خواب هایمان مُردیم!



«در خواب‌هایمان مُردیم»

عنوان تازه‌ترین مجموعه شعر مرتضی نجاتی است که در بهار ۹۸ توسط انتشارات نیماژ در دسترس دوستداران شعر سپید قرار گرفته است. نجاتی پیش از این، مجموعه شعرهای «رادیو لندن به وقت غروب»، «آوازه‌های زنی که از گرامافون می‌آمد» و «با تو در جشن عروسی فیگارو» را منتشر کرده است. در این مجال اندک، شعری از این کتاب تازه منتشر شده را تقدیم می‌کنیم:

گزارشی برای روزنامه‌ها

مادر بیماری قلبی اش را به ارث گذاشت پدر کفش هاش تا دنیا را دوره کنم

وقتی برمی‌گردم

چمدانم از فرودگاه به تاکسی

از تاکسی به شهر

از شهر به خانه رسیده است

و موسی یکی از پاهایش را در جنگ دود کرده است

وقتی برمی‌گردم

آفتاب فقیر می‌شود میان پنجره ام

و فلوت نوازی دوره گرد

از کوچه باغ عرب‌ها عبور می‌کند

جایی که من زندگی کرده ام

یک طرف

به کشتی ابوحمزه ختم می‌شود

یک طرف

به اقیانوسی که روی نقشه‌ها برایمان کشیده اند

چه فایده ای دارد

گزارش کردن از نقشه ای

که پای موسی را دفن کرده است

دکه یخ فروشی میدان‌ها را دفن کرده است

جهیزیه دختران را

در کوچه‌های غم‌گرفته اش دفن کرده است

از تحریریه روزنامه سؤال می‌کنم

و الباقی را کج می‌گیرم

میان گوشی نارنجی تلفنی

که مام می‌گوید

پیغامتان را بگذارید

پیغامتان را بگذارید

گزارش جنگی

این شعر بوی نان نمی‌دهد

و پنجره‌های این خانه

به سمت آفتاب باز نمی‌شوند

کاری بکن برای آفتاب گردان‌ها

کاری بکن

برای اقامت گرفتن آوارگان این جاده

دیشب

از پنج انگشتم

یکی را برای شمردن ستاره‌ها

در آسمان جا گذاشته بودم

با چهار انگشت دیگرم

تقویم و سال و پرندگان را ورق زدم

تو گیس‌های طلایی داشتی

دست‌هایت بوی جیره بندی نان می‌داد

با عکس‌های مانده بودیم چه کار کنیم

بریده‌های عکس‌ها را قیچی کردیم

لباس عروسی تو را

از روزنامه‌ها قیچی کردیم

مانده بودیم

به چه اسمی زیر سایه درخت‌ها صدايت بزنيم.

نگاهی به مجموعه شعر «روزنامه نمی‌خوانند»، سروده سارا اسماعیلی

منطق نثر زبانی شاعر



● میخوش ولی زاده

بودند! /جایی در درون تو که من نبودم /جایی در درون من که تو نبودی...»

مجموعه شعر «روزنامه نمی‌خوانند» از شاعر و نویسنده خوب خانم سارا اسماعیلی، در برگزیده سی و هفت شعر کوتاه و بلند است، با طرح جلد بسیار زیبا و همچنین عنوان خوب برای این شعرها که روی طرح جلد نقش بسته. منطق استوار بر زبان اکثر شعرها منطق نثر زبانی است و این رویکرد با دغدغه‌های اجتماعی شاعر هماهنگی دارد و شعرها را وارد حیطه اندیشه و تلنگر می‌نماید. در شعر «دانه‌های برنج نیستیم» می‌خوانیم:

«مشت به صورت من می‌زنی /دود از بینی خودت بیرون می‌زند /من دم کشیده ام /توانگار ته گرفته باشی /سر این دیگ گرفتی نیست! /ما دانه‌های برنج نیستیم! /با حرارت و بخار قد بکشیم، /فوقش من رفته رفته /لا به لای موهایم /تارهای سفیدی پیدا کنم...»

دغدغه‌های شاعرانه شاعر در این مجموعه، پا را از آشپزخانه بیرون می‌گذارد و به کوچه و خیابان‌های تهران، شهری که هر روز در آن بیدار می‌شود، می‌برد. به روابط انسانی نگاهی می‌اندازد و گاهی سری به دنیای ماورا می‌زند و سعی در کشف رمز و راز مرگ دارد. در شعر «زیبایی مرگ» می‌خوانیم:

«گاهی وقت‌ها /میلت می‌کشد /پنجره را که باز می‌کنی /عمیق تر نفس بکشی! /هوای تازه /همیشه /برای ماندن نیست /روی پنجه‌هایت بلند شو /و بین چطور /یک صبح زیبا /می‌تواند /به سرعت جاذبه /تورا ببلعد! /آخرین شعر این مجموعه شعر قرص و محکم و خواندنی، شعر «سر نوشت» است که نگاهی شاعرانه به اختراع چرخ و کنایه ای بر چرخ‌های زندگی دارد که با هم می‌خوانیم:

«چرخ از آسمان /روی دست‌های درختی می‌افتد /جنگلی /به حرکت در می‌آید /چرخ‌ها همیشه /سر نوشت ساز بوده اند!»

همچنین در شعر «دنبال یک تپله می‌گردیم»، واگویی ای شاعرانه از افسانه سیزیف مطرح می‌شود که بیهودگی دوار زندگی معاصر را با سوالی مطرح می‌کند:

«تو فکر می‌کنی دنیا از تو بزرگتر است؟ /و مشتت را باز نمی‌کنی... /تو فکر می‌کنی دنیا از تو بزرگتر است؟ /و دستت را در مرکز زمین فرو می‌کنی... /اما من می‌دانم! /دنیا همین حیاط کوچک ماست... /من، تو /و شاید چند نفر دیگره /میان باغچه دنبال یک تپله می‌گردیم...!»

گاهی در شعرهای این مجموعه، دغدغه‌های همجنس شاعر در شعرش با نشانه‌های همجنس آشپزخانه، دیگ، کارد، پنیر، دیده می‌شود که از این نوع را در شعر خوب «کاردو...» می‌خوانیم:

«ارتباط آشپزخانه و دیگ /به دست‌ها



بر می‌گشت /من /به ناخن‌های زردم /نگاه می‌کردم /تو /پیش بندم را می‌دیدي /دست‌هایمان جا مانده

مجموعه شعر «روزنامه نمی‌خوانند»، سه سال پیش از سارا اسماعیلی توسط نشر فصل پنجم منتشر شده است. چندبار خواندن شعرهای این مجموعه برایم خالی از لطف نبود و هر بار منظره‌های تازه ای پیش رویم باز می‌کرد. شاعر این مجموعه، هم داستان نویس است و هم فیلمنامه نویس و نمایشنامه نویس؛ اما این بار سمت قلم را چرخانده به سوی شعر.

شعرهای این مجموعه به رنگ و بوی شهری آمیخته شده است. تصویرهایی از انسان معاصر در شعر دیده می‌شود که دغدغه مشترک انسان امروز را نشان می‌دهد. و گاهی پا را فراتر گذاشته، سر از شهرهای جهانی در می‌آورد. در شعر "مهاجرت" می‌خوانیم:

«آسمان /چشم انداز ماست /ما به جایی مهاجرت می‌کنیم /که ذهن مان فرمان می‌دهد /کوهستان‌ها معابر پر خطری هستند...»

سارا اسماعیلی در شعرهای این مجموعه، دغدغه‌های اجتماعی خود را می‌سراید. از چهار راه‌های روزمرگی انسان معاصر را به شعر می‌کشد و از برج‌های بلند شهر تنهایی دو همسایه، نگاه انتقادی به اوضاع اجتماعی و جهانی و حتی نگاه فلسفی با مطرح کردن چندین سوال که خود پاسخ آن را باز گو می‌کند، در شعرها دیده می‌شود. در شعر «آسمان پر تردد است» می‌خوانیم:

«نان پرند نیست /در آسمان دنبالش بگردی /ابر خوردنی نیست /دهانت را به آسمان باز کنی /به چاله‌های پیش پای نگاه کن...»

گاهی در شعرهای این مجموعه با نگاه هستی‌شناسی شاعر روبرو می‌شویم که آن را گره می‌زند به زیست انسانی که در شعر «هلوگرام» جلوه می‌کند:

«چگونه بگویم /تصویر من در انعکاس تو بیهوده است /وقتی خورشید حقیقی نیست /ماه با انعکاسش در آب /هم جنس است /ما عکس‌هایی هستیم /راه می‌رویم /می‌نشینیم /و به خواب می‌رویم /تنها در یک فریم.»

فارغ از معادله‌ها

|| محمدحسین ملکیان |

جنگ یک جدول تناسب بود

پدرم ضرب در چهل در صد،

عده ای را ضریب منفی داد،

تا هر آن کس که سوء نیت داشت

یک نفر فکر آب و خاک که نه!

خطر جبهه را خرید به جان

یک نفر پشت خاکریز خودی

تا جوابش همیشه این باشد

حاصلش بخش بر زمین باشد

عده‌ای را به هیچ قسمت کرد

تا ابد زیر ذره‌بین باشد

در پی نان و آب بود از جنگ

تا پس از جنگ، خوش نشین باشد!

لشگرش را که در محاصره دید

سر خود را گذاشت روی زمین

یک نفر فارغ از معادله‌ها

روی میدان مین قدم زد تا...

در جواب کسی که می‌گوید

هر دو تا آستین او خالی است،

همقطار پدر که عکاس است

حسرتش ماند بر دلم یکبار

تا دعاگوی سرزمین باشد

بی خیال تمام مشغله‌ها

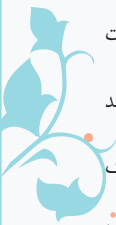
ته این سطر نقطه چین باشد

پدر از جنگ، دستِ پُر برگشت

تا جوابش در آستین باشد

گفت در هشت سال جبهه و جنگ

پدرت رو به دوربین باشد!





از فرمایشات ما!

۱۰ رصا رفیع

استهلال خیلی ماه!

هفته پیش روی، کم کم، ملت همه به دنبال ماه می گردند. ما هم مستثنی نیستیم و می گردیم. اگرچه، گشتن ما کجا و گشتن خلق الله کجا?... ماه ما و مال ما کجا و ماه بقیه کجا؟!.... علی القول شاعر: میان ماه من تا ماه گردون / تفاوت از زمین تا آسمان است. در جایی دیگر هم در یک عملیات کپی برداری، عرض کردیم:

دیشب جمال ما را تشبیه ماه کردی

ما به ز ماه بودیم، تو اشتباه کردی!

عیب ندارد. حالا که سر صحبت رو شاید هم سر شوخی باز شد؛ بد نیست گریزی بزنی به این مطلب که اساسا این قضیه تشبیه به ماه از قدیم الا یام بوده است و من در آوردی نیست. در طول تاریخ، زیبایی را عموما به ماه شبیه کردند.

مخصوصا ماه شب چهارده. فلذا مسبوق به سابقه است. (هرچند می گویند این اصطلاح غلط است؛ بلکه غلط زیادی است. اما خب گفتیم دیگر.



ترک عادت موجب مرض است). مگر در چین و ماچین که عموم ملت شبیه همدیگرند. مثلا شاعری از دختری یک پادشاهی حکایت می کند که از فرط زیبایی، روی دست شاه مانده بود.

چرا که احتمالا دچار خودشیفتگی مزمن شده بوده و خودش نیز دلش نمی آمده که چشم از خودش بردارد. آنقدر بدون عمل زیبایی، خودش خدادادی زیبا بوده که شاعر اول او را به ماه تشبیه کرده و بعد از تشبیه، سر از تفصیل در آورده و او را بر ماه افضل دانسته و گفته:

یکی دختری داشت خاقان چو ماه

کجا ماه دارد دو چشم سیاه

به دنبال چشمش یکی خال بود

که چشم خودش هم به دنبال بود!

یا یک جایی دیگر، شاعری دیگر، همین مضمون و معنا را منتهی در باره محبوب و معشوق خودش به کار برده و برای بالا بردن عزیز خودش، نوی سر ماه بیچاره زده. همین که دچار خسوف نشده خوب است. نگاه کنید چی گفته؛ که البته از روی دست ما کپی کرده:

دیشب جمال رویت تشبیه ماه کردم

تو به ز ماه بودی، من اشتباه کردم

.... **خب بگذریم.** بس است این تحقیق و پژوهش کاملا علمی و کاربردی

که نه به درد دنیامان می خورد، نه آخرت. الان یک همچین بیٹی در باره کسی بگویم، یقه آدم را می گیرند که شما چه نسبتی با هم دارید. حالا بیا ثابت کن که طرف، وجود خارجی ندارد و اصطلاحا خاتون شعر ماست. بدون چیس و مزه! **شمارش لیخند:** به نظر ما که عموما نیز درست و درمان می باشد؛ در شب و روز استهلال ماه شوال، اشخاص و گروه های زیادی می توانند خندان باشند؛ یعنی همزمان که چشمی به ماه، نگران دارند؛ لبی هم به خنده، متبسم دارند:

۱- گروهی که جز رنج گشنگی و تشنگی، چشم و گوش و دل و اندیشه آنها نیز روزه بوده و نه غیبت کردند، نه تهمت زدند و نه افتراء زدند، نه اختلاس کردند، نه رشوه گرفتند، نه سرمقاله ای آبروبر نوشتند، نه طنزی هجو کننده نوشتند، نه..... و باز هم نه..... هیچی از این کارهای بد نکردند، اینها جا دارد که الان با تمام وجود بخندند و به توصیه جناب حافظ عمل کنند که گفت: «هلال عید در ابروی یار باید دید». فقط ابرو!... (در باره چشم، چیزی نگفته است حافظ).

۲- آنها یی که در این ماه، دست یثیمی و مسکینی را گرفته اند. فقط در کنارش ننشستند اشک بریزند، بلکه دست در جیب مبارک هم کرده اند و آبرومندانه، چنان که عزت و احترام او حفظ شود، کمکی به او کرده اند تا لیخند زند. آنها یی که با انصراف از گرفتن یارانه، این بذل و بخشش را تمرین کردند؛ قطعاً دستگیری دیگران برایشان کاری ندارد. اینها الان دارند لیخند می زند. خوشحال اند که عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت. فلذا در ادامه باید بسان حافظ اضافه کرد: صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت. (تمرین کنید که برعکس نگویید. اگر جا به جا بگویید، خراب می شود و همه می خندند!)



• وحید حاج سعیدی

زمره اجداد نسل بعد محسوب می شویم؛ حقیر به نیابت از شما هم رهان طریق، چند ضرب المثل تراریخته و ماریناد شده به دایره ضرب المثل های فارسی اضافه نموده است که اگر ریا نباشد، عجالتا از تعدادی رو نمایی می کنم. علی برکت الله!...

(الف) حساب به دینار؛ بخشش به میلیارد

کنایه از بانک هایی که در گرفتن کارمزد، وجه التزام، دیر کرد، سود و از مردم، تادینار آخرش از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند، ولی در زمان اعطای وام های میلیاردی به از ما بهتر و صاحبان ژن های نیکو، آخ دریغ از اخذ یک برگه کپی شناسنامه!

(ب) دزد ناشی به صراف می زنه!

با توجه به کشمشی بودن اوضاع ارز و دلار و ... خلق الله ترجیح می دهند در بازار بورس، مسکن، سکه و شبیه اینها سرمایه گذاری کنند و فعلا صرافی های مملکت از ارز تهی هستند و کسی از سرقت صرافی طرفی نخواهد بست.

(پ) تسه تایم پاره کردن

این عبارت، یک ورژن بالاتر و خشن تر از «ترمز بریدن» یا «آمبر چسباندن» است و کنایه از آدمی است که با کوچترین حرکتی عصبانی می شود و به طرف مقابل حمله ور می شود. مثل فرمانداری که دوست نداشت در گلیاگان عکسش با کلاه منتشر شود و در جلسه رسمی به خبرنگار نگون بختی که قصد عکاسی داشت، بزرگوارانه حمله ور شد! البته روز بعد هم عزل شد.

(پ) مثل برجام می مونه!

کنایه از بی فایده بودن یک پدیده که بود و نبود آن تاثیری در روند اجرای امور ندارد. نظیر حضور باجناب در مراسم فامیلی، سوراخ اول کمر بند شلوار، درخت میوه نزدیک مستراح که نه میوه اش کاربردی است و نه سایه اش و ...

(ت) اگه مردی، برو استاندارد ایران خودرو را بگیر!

این ضرب المثل در مورد شرکتها و سازمان هایی مثل بنز و هیوندا به کار می رود که فقط اسم در کرده اند و اهن و تولوپ آنها گوش فلک را کر کرده است، ولی فاقد کیفیت و کارایی هستند.

(ث) خودرو ساز از خودرو ساز بدش میاد؛ شورای رقابت از هر دو! اشاره به رقابت خودرو سازان در سر کیسه کردن مردم دارد که در این راه، شورای رقابت را مجبور به همکاری و صدور مجوز افزایش قیمت می کنند.

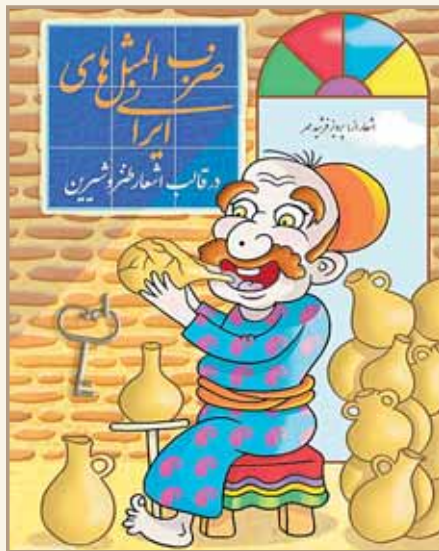
(ج) هر جا زمینش سخته، مال من بدبخته!

اشاره به زمین خواری های گسترده در سال های اخیر که با دلایلی نظیر بی حاصل بودن یا سختی زمین صورت گرفته است.

(چ) من اینور را کنور، تو اون ور را کنور!

کنایه از به حالت قهر از هم جدا شدن و تسویه حساب قهر آمیز!

ضرب المثل های کاملاً به روز



خدا از سر تقصیرات کسانی که با تکنولوژی، تیشه به بنیان ادبیات این مملکت زدند و ریشه شعر و شاعری را خشکانند، نگذرد! الهی خیر نبینند... ان شالله یارانه و سهام عدالت شان توأمان قطع شود... یعنی بلایی که تکنولوژی سر ادبیات فاخر این مملکت آورد، چنگیز خان مغول با آن همه وحشی گری و بی تربیتی نیاورد.

باور بفرماید تا همین چند صد سال قبل، ادبیات این مملکت برای خودش کیا و بیایی داشت و نیمی از خلق الله، دستی بر شعر و شاعری و ادبیات داشتند و خیلی از مشکلات را با همین غنای ادبیات مرتفع می ساختند. اما الان ملت حرف زدن یومیه شان را بلد نیستند. امروز اگر کسی بخواهد شخصی را از سر خود وا کند، از عبارات سخیفی نظیر: «برو بخواب ببینم بااااا..... یا بخواب تو جواب بابا!» و امثالهم استفاده می کند.

اما در گذشته خیلی محترمانه و خردمندانه می گفتند: «رو سر بنه به بالین.... تنها مرا رها کن!». طرف با شنیدن این جمله موهاش فر می خورد؛ ببخشید، یعنی که حساب کار دستش می آمد و پی کار خود می رفت...

البته دنیای شعر و شاعری، تنها بخشی از ثروت ادبی گذشتگان و اجداد ما بود و ابداع و به کار بستن ضرب المثل از دیگر توانمندی های ایشان در عرصه ادبیات به حساب می آمد. یعنی شما موضوعی را پیدا نمی کنید که قدیمی ها درباره آن ضرب المثل خلق نکرده باشند. تاجایی که نسل حاضر معتقد است اساتید ادب پارسی ما همه ضرب المثل های مورد نیاز را آفریده اند و نیاز به تولید ضرب المثل جدید نیست!

علی ای حال، از آنجا که ما مثل نسل جدید، بدانندیش نیستیم و از سوی دیگر، ما نیز روزی سوار بر مرکب چوبین خواهیم شد و در آینده در

تکذیب نامه

| حسین شادمهر |



سر خط اخبار را تکذیب کرد

جمله بودار را تکذیب کرد

با هفتشتا شغل دائم، همچنین

مشکلات کار را تکذیب کرد

ما که افتادیم زیر خط فقر

گرچه او آمار را تکذیب کرد

پول بیت المال را چاپیده اند

زدی بسیار را تکذیب کرد

از کنار سفره پر آب و رنگ

قحطی بازار را تکذیب کرد

در خبر پیچید گاهی پیچ پیچی

اذیت و آزار را تکذیب کرد

گفت: مالیدن جواب مشکل است

سختی بیمار را تکذیب کرد

در زمان ثبت نام مدرسه

پول با اجبار را تکذیب کرد

شهردار شهر ما در یک تماس

آسمان تار را تکذیب کرد

مد شده تکذیب کردن پیش ما



عباس گودرزی



تبسم و تفکر

«فارغ التحصیل کارشناسی نقاشی و هنرهای تجسمی از دانشکده

هنر دانشگاه باهنر کرمان / «آغاز فعالیت کاریکاتور از سال ۱۳۷۸

با خانه کاریکاتور کرمان

